



نظریه پنخس و تاثیر حوزه‌ی علمی قم بر معرفت سیاسی افغانستان*

پروژه‌ی نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

* سید آصف کاظمی، دانش‌پژوه سطح چهار تاریخ اهل بیت (علیهم‌السلام)، کارشناسی ارشد تاریخ معاصر جهان اسلام در مجتمع آموزش عالی امام خمینی (ره) از کشور افغانستان، Kazemi.asef@yahoo.com
تاریخ دریافت: ۹۲/۸/۱۳ تاریخ تصویب: ۹۲/۱۱/۲

چکیده

نظریه پخش، یکی از نظریه‌های مطرح در باب توضیح چگونگی انتشار نوآوری‌ها و گسترش ایده‌ها و اندیشه‌هاست. هرچند خاستگاه اولیه این نظریه در رشته جغرافیای انسانی است؛ اما در موضوعات فکری - سیاسی نیز کاربرد دارد. موضوع چگونگی تأثیر نوآوری‌های سیاسی حوزه‌ی علمیه‌ی قم بر معرفت سیاسی جامعه‌ی افغانستان و به کارگیری الگوی مناسب، محقق را بر آن داشت تا توان نظریه پخش را در مورد تأثیر حوزه‌ی علمیه‌ی قم بر معرفت سیاسی افغانستان مورد بررسی قرار دهد. آنچه می‌خوانید، کوششی است در جهت سازماندهی نظری و قالب‌بندی انبوه مواد خام در باب تأثیر حوزه‌ی علمیه‌ی قم بر معرفت سیاسی افغانستان، بر اساس نظریه‌ی پخش و با توجه به منابع مکتوب و شفاهی، به پاسخ این سؤال برسیم که «حوزه‌ی علمیه‌ی قم در معرفت سیاسی افغانستان چه تأثیری داشته است؟»

مقاله‌ی حاضر بر اساس نظریه‌ی پخش، به این یافته‌ها رسیده است که در افغانستان تلاش برای احقاق حقوق سیاسی شیعیان، بهبود وضعیت سیاسی، مطرح شدن و محوریت روحانیت در رفتار سیاسی، تلاش برای وحدت سیاسی شیعیان، دفاع از حقوق سیاسی شیعیان، گسترش اسلام سیاسی، مشارکت سیاسی حداکثری شیعیان، شکل‌گیری احزاب و تشکل‌های سیاسی، و ... از ارمغان‌های حوزه‌ی علمیه‌ی قم و از ایده‌ها و تأثیرات این حوزه هستند.

واژگان کلیدی

معرفت سیاسی، قم، افغانستان، نظریه‌ی پخش، محوریت روحانیت در رفتار سیاسی، شکل‌گیری احزاب.

۱. مباحث نظری

۱-۱. طرح مسئله

مکتب اجتهادی قم، یکی از مکاتب تأثیرگذار در دوره متأخر در مجامع فقهی، بلکه علمی - دینی حوزه‌هاست. حوزه‌ی علمیه‌ی قم دارای ویژگی‌های بی‌شماری است؛ مانند: نشاط علمی، برخورداری از یک مکتب فقهی اجتهادی منسجم، توجه به سایر علوم اسلامی، توجه به تحولات جدید اعم از فرهنگی، اجتماعی و سیاسی، آزاداندیشی و نظریه‌پردازی، پویایی و تحول‌پذیری، بالندگی و پاسخ‌گویی به نیازهای مسائل جدید به ویژه در مسائل پیچیده اجتماعی، توجه به فقه تقریبی و نزدیک کردن مذاهب اسلامی بدون تعصب و پیش ذهنیت‌های مذهبی، و ... با این همه ویژگی‌هایی که برآورنده حوزه‌ی قم است، این حوزه، یک حوزه‌ی علمیه سیاسی نیز هست و در واقع، تنها حوزه‌ی علمیه‌ی شیعی است که قادر به تشکیل حکومت شده است و از این منظر در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفته است.

در بررسی تأثیر حوزه‌ی علمیه‌ی قم بر کشور افغانستان، محقق با انبوه عظیمی از مواد خام روبه‌رو می‌شود. این معضل و کمبود چهارچوب نظری جهت سازماندهی این حجم عظیم مواد خام، نویسنده را بر آن داشت تا از باب تطبیق نظریه‌ی پخش^۱ بر مورد خاص افغانستان، توان نظریه‌ی پخش در تحلیل تأثیر حوزه‌ی علمیه‌ی قم بر معرفت سیاسی افغانستان را در محک آزمون قرار دهد. در این بررسی، آنچه در کانون توجه است، فقط تأثیر نوآوری‌های سیاسی حوزه‌ی علمیه‌ی قم است، نه تأثیرات فکری و فرهنگی دیگر.

۱-۲. حوزه‌ی علمیه‌ی قم

قم از نخستین شهرهایی است که در ایران، مذهب تشیع را پذیرفت و از ربع آخر قرن اول هجری، فرهنگ این دیار، فرهنگ شیعی شد و یکی از اولین مراکز علمی شیعه بود که مدارس آن در اوایل قرن سیزدهم شهرت زیادی داشت؛ اما در اواخر قرن

۱. مراد این است که نظریه پخش را بر مورد خاص افغانستان تطبیق دهد.

سیزدهم و در اوایل قرن چهاردهم، بسیاری از آنها بدون استفاده ماند و تخریب شد. نخستین گام برای احیای این حوزه را آیت‌الله فیض قمی برداشت که در سال ۱۲۹۵ شمسی حلقه درس خود را در این شهر دایر کرد.^۱ پس حوزه‌ی علمیه‌ی قم، دارای مراحل و ادواری چندگانه است.

دوره‌ی اول حوزه‌ی علمیه‌ی قم، به عصر حضور بر می‌گردد. شاگردان و اصحاب ائمه (علیهم‌السلام) در این پایگاه به ترویج مکتب اهل بیت (علیهم‌السلام) پرداختند.^۲ بررسی زندگی‌نامه محدثان و علمای شیعه که در سده دوم، یا حتی اول، در قم زندگی می‌کردند، نشان‌دهنده تکوین حوزه‌ی علمیه‌ی شیعی در این شهر از نخستین دهه‌های سده دوم هجری است.

دور دوم حوزه‌ی علمیه‌ی قم، قرن‌های چهارم و پنجم را شامل می‌شود. در این دوره حوزه‌ی علمیه «ری» از رونق بیشتری نسبت به قم برخوردار بود و حوزه‌ی علمیه‌ی قم را تحت‌الشعاع قرارداد.

در دوره‌ی سوم هم که از قرن ششم تا قرن نهم را در بر می‌گیرد، این حوزه رونق مناسبی نداشت.

دوره‌ی چهارم از قرن دهم آغاز می‌شود و تا قرن سیزدهم امتداد می‌یابد. نخستین بخش این دوره، معاصر سلسله صفویه است که با مهاجرت علمای شیعه جبل عامل لبنان به ایران و نشر تفکر اصولی شیعه، همراه بوده است. بدین ترتیب، با رونق یافتن مسلک اصولی و مبانی اجتهاد، فلسفه سیاسی و مسئله ولایت فقیه نیز مطرح می‌شود که باید به مثابه یکی از نقطه‌های آغاز «انقلاب مشروطیت» در حوزه‌ی علمیه‌ی قم از آن یاد نمود. **پنجمین دوره** از ادوار حوزه‌ی علمیه‌ی قم، از قرن سیزدهم آغاز و تا به امروز ادامه

۱. شیرخانی، علی؛ زارع، عباس؛ تحولات حوزه‌ی علمیه‌ی قم پس از پیروزی انقلاب اسلامی، ج اول، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۴، ص ۲۲.

۲. سیدکباری، سید علی‌رضا؛ حوزه‌های علمیه شیعه در گستره جهان، تهیه پژوهشکده باقرالعلوم (ع)، ج اول، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۸، ص ۳۶۵.

می‌یابد. نقطه‌ی تحول دوره‌ی پنجم، یکی زمانی است که آیت‌الله حائری(ره) در این حوزه مسکن گزید و به حوزه‌ی علمیه‌ی قم جان تازه‌ی بخشید و خود به عنوان «آیت‌الله مؤسس» شهرت یافت.^۱ آیت‌الله حائری(ره) با برگزاری دروس و نیز اعمال تدابیری ویژه، در سامان دادن به امور حوزه، زمینه‌های مرکزیت یافتن آن را فراهم نمود. یکی دیگر از نقطه‌های تحول حوزه‌ی علمیه‌ی قم، مرجعیت حضرت آیت‌الله بروجردی(ره) است. ایشان در سال ۱۳۶۳ق (۱۹۴۴) به حوزه‌ی علمیه‌ی قم وارد شد. تبلور این مدرسه‌ی فقهی، پس از دهه‌ی سی و پس از مهاجرت و تثبیت موقعیت آیت‌الله العظمی بروجردی (م ۱۳۸۰ ق) در قم بوده و نقطه‌ی عطف تاریخی در جریان‌سازی اجتهاد و شاخص شدن مکتبی با ویژگی‌های خاص است. درباره‌ی این جریان، از چند جهت می‌توان سخن گفت؛ یکی درباره‌ی معرفت‌شناسی و مبانی و اصول اجتهادی این مکتب است، و دیگری درباره‌ی روش استنباط و شیوه‌ی بیان و پیش‌فرض‌های این مکتب. کانون تحول دیگر حوزه‌ی علمیه‌ی قم را باید در مرجعیت امام خمینی (ره) و پس از پیروزی انقلاب اسلامی دانست که منشأ تحولات بزرگی در حوزه‌ها، جهان تشیع و دنیای اسلام گردید و تحقیق حاضر نیز بیشتر همین پیچ تاریخی را مورد بررسی قرار می‌دهد.

۱-۳. معرفت سیاسی

«معرفت» یعنی شناخت و دریافتن چیزی از طریق حواس یا از طریق دیگر و حصول تصور اشیا.^۲ البته بین معرفت و علم دانشمندان فرق گذاشته‌اند. در این مورد گفته‌اند: معرفت، ادراک جزئی است و علم، ادراک کلی.^۳ معرفت، در تصورات و علم، در تصدیقات به کار می‌رود. به همین دلیل می‌توان گفت، به خدا معرفت داریم، اما علم نداریم؛ زیرا شرط علم این است که انسان به معلوم احاطه‌ی کامل داشته باشد.^۴ پس هر

۱. همان، ص ۳۶۸-۳۸۳

۲. صلیبا، جمیل؛ فرهنگ فلسفی، ترجمه منوچهر صانعی، تهران: مؤسسه انتشارات حکمت، ۱۳۸۱ هـ ص ۵۹۹.

۳. سعیدیان، عبدالحسین؛ دایره المعارف بزرگ نو، تهران: نشر علم و زندگی، ۱۳۸۴ هـ ص ۸۴۵۶

۴. صلیبا، جمیل؛ فرهنگ فلسفی، ترجمه منوچهر صانعی، تهران: مؤسسه انتشارات حکمت، ۱۳۸۱ هـ ص ۶۰۰.

علمی معرفت است، اما هر معرفتی علم نیست. گاهی مراد از معرفت، نتیجه و محتوای آن است، نه فعل ذهنی که موجب حصول معرفت است^۱ و مراد از معرفت در این تحقیق نیز نتیجه‌ی آن است.

«سیاست» نیز در لغت به معنای پاس داشتنِ مُلک، حکم راندن بر رعیت، مردم‌داری، حکومت، ریاست، داوری، تدبیر، اصلاح امور خلق، اداره کردن کارهای مملکت و مراقبت امور خارجی و داخلی است.^۲ معنای اصطلاحی سیاست، پیچیده و دشوار است؛ از این رو، تعاریف متعددی از آن به دست داده‌اند. از جمله گفته‌اند: سیاست یعنی هنر استفاده از امکانات، حکومت کردن بر انسان‌ها، مبارزه برای قدرت، توزیع آمرانه‌ی ارزش‌ها، علم قدرت، علم به زیر سلطه درآوردن، علم به اطاعت و داشتن افراد جامعه، علم حکومت بر کشور، فن و عمل حکومت بر جوامع انسانی،^۳ مدیریت و توجیه و تنظیم زندگی اجتماعی انسان‌ها در مسیر حیات معقول.^۴ نکته قابل توجه در تعاریف متفکران مسلمان از سیاست این است که سیاست در اسلام پیوند ناگسستنی با حوزه‌ی دین دارد. امام خمینی (ره) درباره‌ی سیاست می‌فرماید:

سیاست این است که جامعه را هدایت کند و راه ببرد، تمام مصالح جامعه را در نظر بگیرد و تمام ابعاد انسان و جامعه را در نظر بگیرد و این‌ها را هدایت کند به طرف آن چیزی که صلاحشان هست، صلاح ملت هست، صلاح افراد هست، و این مختص به انبیاست. دیگران این سیاست را نمی‌توانند اداره کنند. این مختص به انبیا و اولیاست و به تبع آنها به علمای بیدار اسلام.^۵

«معرفت سیاسی» ترکیب یافته از «معرفت» و «سیاست» است. همان طوری که در تعریف معرفت گذشت، گاهی در مراد از معرفت، نتیجه‌ی معرفت قصد می‌شود و از

۱. همان.

۲. لغت‌نامه دهخدا، ذیل کلمه سیاست.

۳. عالم، عبدالرحمن؛ بنیادهای علم سیاست، تهران: نشر نی، ۱۳۸۰، ص ۲۶-۳۱.

۴. جعفری، محمدتقی؛ حکمت اصول سیاسی اسلام، تهران: نشر بنیاد نهج البلاغه، ۱۳۶۹، ص ۴۱.

۵. امام خمینی، سید روح‌الله؛ تفسیر سوره حمد، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۵، ص ۲۴۷.

این رو می توان گفت، معرفت سیاسی یعنی آگاهی به شرایط و مؤلفه‌های سیاسی، مانند حقوق سیاسی، وضعیت سیاسی، رفتار سیاسی، وحدت سیاسی، اسلام سیاسی، مشارکت سیاسی حداکثری، شکل‌گیری احزاب و تشکل‌های سیاسی، و

۱-۴. نظریه‌ی پخش

نظریه‌ی پخش^۱ در سال ۱۹۵۳ از سوی هاگر استرند^۲ جغرافی‌دان سوئدی ابداع و عرضه شد. وی و همکارانش با به کار گرفتن این نظریه، در مورد گسترش نوآوری «پدیده‌های کشاورزی» و چگونگی گسترش «سل گاوی» در سال‌های مختلف به یافته‌های ارزشمندی دست یافتند.^۳ هرچند که نقطه آغاز کاربرد این نظریه در پدیده‌های کشاورزی و شیوع بیماری‌ها بود؛ ولی کاربرد آن به سایر عرصه‌های فرهنگی نیز تسری یافت. در مجموع، این نظریه گسترش هر نوع نوآوری فکری یا فیزیکی را تبیین می‌کند. این نظریه قدرت تبیین و توضیح هرگونه نوآوری فکری یا فیزیکی را دارد؛ هم علت اشاعه، نحوه گسترش و مسیرها و مجاری پخش آن، و هم علل توقف آن و علل گسترش مجدد آن و نیز پایداری برخی از امواج و زوال برخی دیگر را توضیح می‌دهد.^۴

۱-۴-۱. تعریف پخش

«اشاعه» یا «پخش»، عبارت است از فرایندی که بر طبق آن، یک امر فرهنگی (یک نهاد یا یک اختراع فنی و جز آن) که علامت مشخصه یک جامعه است، در جامعه دیگری به عاریت گرفته، مورد پذیرش قرار می‌گیرد. اشاعه را عموماً در مهاجرت‌های جمعیت‌ها که حاصل تماس‌های مداوم و زیاد جوامع همسایه است، تشخیص می‌دهند.^۵

۱. Diffusion.

۲. Hager strand.

۳. شکونی، حسین؛ جغرافیای کاربردی و مکتب‌های جغرافیایی، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۴، ص ۱۱۱-۱۱۲.

۴. بزرگر، ابراهیم؛ نظریه‌های بازتاب جهانی انقلاب اسلامی ایران، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۱، ص ۳۴.

۵. پانوف، میشل و میشل پرون؛ فرهنگ مردم‌شناسی، ترجمه اصغر عسکری، تهران: نشر ویس، ۱۳۶۸، ص ۱۱۳.

گری پی فرارو^۱ علاوه بر انتشار و اختراع، از جریان «اشاعه فرهنگی^۲» به عنوان «وام‌گیری فرهنگی^۳» در تغییر فرهنگ‌ها یاد می‌کند. اهمیت وام‌گیری فرهنگی اگر از نظر اصل کم‌کوشی^۴ نگریسته شود، بهتر و عمیق‌تر درک می‌شود؛ یعنی وام‌گیری اختراع و اکتشاف فرد دیگری، بسیار آسان‌تر است، تا این که خودمان بخواهیم از اول آن را کشف یا اختراع کنیم.^۵ وی چند ویژگی را در پخش و وام‌گیری فرهنگی عمده می‌کند:

۱. عمل وام‌گیری فرهنگی، گزینشی است. هنگام برخورد دو فرهنگ، بعد از اثبات سودمندی و سازگاری، عناصر و اجزایی خاص، به عاریت گرفته می‌شود. به طور مثال، انتظار نداریم شاهد اشاعه پرورش خوک از آمریکا به کویت باشیم که جمعیت مسلمان آن، خوردن گوشت خوک را حرام می‌دانند. بر اساس مطالعه‌ی راجرز، قبول یک نوآوری و سرعت پذیرش آن، تحت تأثیر متغیرهای ذیل است:

الف) تفوق آن، نسبت به آنچه که موجود است؛

ب) سازگاری داشتن با انگاره‌های فرهنگی موجود؛

ج) به سهولت شناخته شدن؛

د) قابلیت آزمون‌پذیری به صورت تجربی که مزایای آن برای تعداد نسبتاً زیادی از مردم، به روشنی قابل مشاهده باشد.

۲. «وام‌گیری فرهنگی» جریانی «دوطرفه» است؛ چنین نیست که صرفاً جوامع متمدن بر جوامع ابتدایی تأثیرگذارند.

۳. اقلام وام گرفته‌شده، غالباً پس از دست‌کاری در «شکل اولیه»، وارد فرهنگ جامعه مقصد می‌شوند.

۱. Gury p. Ferraro.
۲. cultural diffusion.
۳. cultural borrowing.
۴. Economy of effort.

۵. فرارو، گری پی؛ انسان‌شناسی فرهنگی: بعد فرهنگی تجارت جهانی، ترجمه غلامعلی شاملو، تهران: سمت، ۱۳۷۹، ص ۵۲

۴. برخی ویژگی‌های فرهنگی «آسان‌تر» از ویژگی‌های دیگر انتشار می‌یابند.

نوآوری‌های تکنولوژیک راحت‌تر از انگاره‌های اجتماعی و عقیدتی پذیرفته می‌شود؛ زیرا درجه سودمندی و قابل استفاده بودن آنها را به سرعت می‌توان تشخیص داد. به طور مثال، متقاعد کردن فرد برای استفاده از ماشین برای زودتر به مقصد رسیدن، کاری دشوار نیست؛ لیکن ثابت شده که بسیار دشوار است که شخص مسلمان هندو شود، یا بازرگانی آمریکایی از طبقه متوسط را به پذیرش مسلک سوسیالیسم متقاعد کرد.^۱

۱-۴-۲. انواع پخش‌ها

هاگر استرنند چند نوع پخش را ذکر نموده است:

۱. **پخش جابه‌جایی**^۲: پخش یک نوآوری یا یک عنصر از فرهنگ است که لازمه‌ی آن، انتقال فیزیکی فرد یا گروه حامل یک اندیشه است.^۳ پخش جابه‌جایی، زمانی رخ می‌دهد که افراد و یا گروه‌های دارای یک ایده مخصوص، به طور فیزیکی از مکانی به مکان دیگر حرکت کنند و به این طریق، ابداعات و نوآوری‌ها در سرزمین جدید گسترش می‌یابند. اشاعه‌ی مذاهب به واسطه‌ی اعزام مبلغان مذهبی، با پخش جابه‌جایی، صورت گرفته است. مهاجرت مسیحیان اروپایی به آمریکا، نمونه‌ای از این پخش است. کل فرایند استعمار اروپاییان از سال ۱۵۰۰ تا ۱۹۵۰ از انواع پخش جابه‌جایی است. به نظر می‌رسد در دوره‌های گذشته، الگوی پخش غالب، پخش جابه‌جایی بوده؛ اما با اختراع و رواج پدیده‌های جدید ارتباطی، الگوی پخش جابه‌جایی، تا حدود بسیار زیادی کم‌رنگ شده است.^۴

۲. **پخش سلسله‌مراتبی**^۵: در این نوع از پخش، پدیده‌ها و نوآوری‌ها در قالب

۱. فرارو، گری‌بی؛ انسان‌شناسی فرهنگی: بعد فرهنگی تجارت جهانی، ترجمه غلامعلی شاملو، تهران: سمت، ۱۳۷۹، ص ۵۲-۶۱

۲. relocation diffusion.

۳. جردن، تری و لستر راوتنری؛ مقدمه‌ای بر جغرافیای فرهنگی، ترجمه سیمین تولاتی و محمد سلیمانی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و ارتباطات، ۱۳۸۰، ص ۱۶۲.

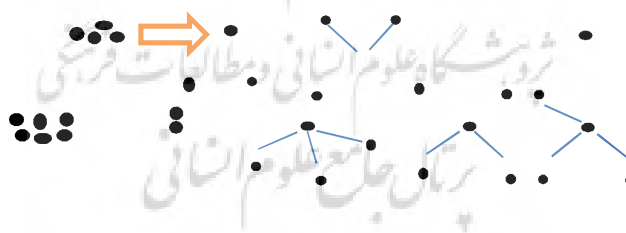
۴. همان، ص ۱۶۳.

۵. hierarchic diffusion.

سلسله مراتب و از طریق توالی منظم دسته‌ها و طبقات منتقل شده و گسترش می‌یابد. ایده‌ها از یک «فرد مهم» به فرد دیگر و یا از یک مرکز شهری مهم، به مرکز دیگر گسترش می‌یابد.^۱ بنابراین، فرایند پخش و پذیرش مدهای جدید لباس و یا مد آرایش سر و یا کالاهای مصرفی جدید نظیر کامپیوتر و یا عقاید و ایدئولوژی‌ها، از پایتخت به شهرهای بزرگ، میانی، کوچک و روستا و به صورت سلسله‌مراتبی انجام می‌شود. از این رو، نوآوری‌ها ابتدا در طبقات بالای اجتماع و سپس در طبقات پایین‌تر منتشر می‌شود. برخی بدان «انتشار ریزشی» نیز گفته‌اند؛ یعنی فرایندی که از مراکز بزرگ‌تر و مهم‌تر به مراکز کوچک‌تر سرازیر می‌شود.^۲

مثلاً در صدر اسلام، با اسلام آوردن رئیس قبیله، کل افراد نیز تغییر دیانت می‌دادند. این مورد، یکی از بهترین موارد پخش سلسله‌مراتبی است.^۳

۳. **پخش سرایتی یا واگیردار**^۴: این نوع، در مقابل پخش سلسله‌مراتبی است. در این نوع پخش، گسترش عمومی ایده‌ها بدون در نظر گرفتن سلسله‌مراتب صورت می‌گیرد؛ چون پخش با تماس مستقیم منتشر می‌شود، مانند بیماری‌های مسری. بیماری‌های واگیردار مانند سرخک، از یک شخصی به شخص دیگر منتشر می‌شود. این فرایند به شدت تحت تأثیر «فاصله» قرار دارد؛ بنابراین، افراد و نواحی نزدیک نسبت به افراد و نواحی دور دست، احتمال تماس بیشتری دارند.^۵



۱. همان.

۲. بزرگر، ابراهیم؛ **نظریه‌های بازتاب جهانی انقلاب اسلامی ایران**، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۱، ص ۳۷.

۳. زرگری نژاد، غلامحسین؛ **تاریخ صدر اسلام**، تهران: سمت، ۱۳۷۸، ص ۳۱۶.

۴. contagious diffusion.

۵. بزرگر، ابراهیم؛ **نظریه‌های بازتاب جهانی انقلاب اسلامی ایران**، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۱، ص ۳۸.

۱-۴-۳. عوامل نظریه‌ی پخش

هاگر استرنند نظریه پرداز این نظریه، شش عامل را در این نظریه عمده می‌کند:

۱. **حوزه یا محیط جغرافیایی:** این محیط می‌تواند محیط پذیرا-همگرا، یا محیط ناپذیرا-واگرا باشد.
 ۲. **زمان:** زمان دومین عامل است که می‌تواند به صورت مداوم و یا به حالت دوره‌های متمایز از یکدیگر و متوالی در نظر گرفته شود. نقطه آغاز و تکوین پدیده‌ها را با T و دوره‌های متوالی آن را با t_1 ، t_2 و t_3 نشان می‌دهند.
 ۳. **موضوع پخش:** سومین عامل، «موضوع پخش» است. موضوع پخش ممکن است امراض واگیردار نظیر وبا، سرخک، آنفولانزا و سل گاوی، و یا نوآوری‌های کشاورزی و تکنولوژیک نظیر بذرهای اصلاح شده، ویدئو، تلویزیون و ماهواره، و یا موضوعات فرهنگی، و یا فیزیکی- فرهنگی نظیر مبارزات انقلابی و چریکی دهقانان روسیه باشد.
 ۴. **مبدأ:** مبدأ پخش، مکان‌هایی است که خاستگاه نوآوری‌ها و صدور پیام‌ها و ارزش‌ها و نوآوری‌هاست
 ۵. **مقصد:** مقصد پخش، مکان‌هایی است که محتوای پخش یا جریان مداوم پخش به این مکان‌ها می‌رسد.
 ۶. **مسیر:** ششمین عامل، مسیر حرکت پدیده‌ها و مجاری انتقال نوآوری از مبدأ به مقصد است. فاصله جغرافیایی و فاصله اجتماعی- اقتصادی، مسئله مهم در ارتباط پدیده‌ها می‌باشد.^۱
- البته عوامل دیگری را نیز می‌توان در این نظریه ذکر کرد؛ نظیر:
۱. **سرعت انتشار و عوامل مؤثر بر آن،** از موضوعات دیگری است که می‌تواند در فرایند پخش مورد مطالعه قرار گیرد.

۲. موانع و مرزها و امواج رقیب نیز موضوع دیگری است که در بررسی پخش نوآوری مهم است.

۳. پیش بینی اثرات پخش و مضر یا مفید بودن آن از دید طرف های درگیر و نیز اقدامات مقابله ای، از جمله دیگر موارد است.^۱

هاگر استرند برای عبور چیزی که او آن را «امواج نوآوری ها» می نامد، یک مدل چند مرحله ای پیشنهاد می کند؛ این امواج غالباً «امواج انتشار» نامیده می شوند. به نظر وی، امواج به صورت «موج نیم رخ» از یکدیگر بازشناسی می شوند. این موج نیم رخ یا نیم رخ های انتشار را می توان به چهار نوع تقسیم کرد که هر یک، معرف یک مرحله متمایز عبور نوآوری است.^۳

۱-۴-۴. موانع و عوامل کاهش دهنده پخش

این عوامل را می توان به شرح ذیل بیان کرد:

۱. مسافت: اگر سنگی را به درون استخری بیندازیم و پخش امواج آن را نظاره کنیم، خواهیم دید که دوایر با دور شدن از نقطه اثر، به تدریج ضعیف و ضعیف تر می شوند. به همین قیاس، میزان پذیرش نوآوری های فرهنگی نیز با افزایش مسافت کاهش می یابد. ابداعات به طور عمیق تر و نافذتری در نزدیک ترین نقطه به مبدأ پذیرفته خواهند شد و با دور شدن از آن، اثر آنها کاهش می یابد.

۲. زمان: گذشت زمان نیز در این راستا، عامل مهمی تلقی می شود؛ زیرا انتشار و پخش نوآوری به نقطه دورتر خود، مستلزم صرف زمان بیشتری است. نظر به اینکه تعداد پذیرندگان، با افزایش مسافت کاهش می یابد، میزان پذیرش نیز با افزایش زمان کاهش می یابد. این همان مقوله ای است که جغرافی دانان از آن به عنوان کاهش زمان-مسافت یاد کرده اند.^۴ هرچه از زمان وقوع حادثه و نوآوری فاصله بگیریم و یا هرچه

۱. همان.

۲. Innovation waves.

۳. برزگر، ابراهیم؛ نظریه های بازتاب جهانی انقلاب اسلامی ایران، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۱، ص ۴۱.
۴. جردن، تری و لستر راوتتری؛ مقدمه ای بر جغرافیای فرهنگی، ترجمه سیمین تولانی و محمد سلیمانی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و ارتباطات، ۱۳۸۰، ص ۲۶.

از مکان وقوع نوآوری دور شویم، قدرت تسری و تأثیرگذاری آن کاهش می‌یابد.

۳. **موانع تراوش:** علاوه بر ضعف و کاهش طبیعی ابداعات و نوآوری‌ها، به دلیل افزایش زمان- مسافت، سدها و موانع نیز موجب توقف یا کند شدن روند پخش نوآوری می‌شوند و یا پیشرفت‌های بعدی را متوقف می‌سازند. به طور مثال، در جمهوری آفریقای جنوبی، با غیرقانونی اعلام کردن ورود تلویزیون برای ده‌ها سال، از ورود این رسانه عمومی به کشور جلوگیری شد. این امر موجب شد تا پذیرش تلویزیون به عنوان یک نوآوری در مرزهای این کشور متوقف شود.

در غالب موارد، مرزها نفوذپذیرند؛ بدین معنا که اجازه پخش برخی امواج ابداعات و نوآوری‌ها را می‌دهند؛ ولی در جهت تضعیف و توقف آن نیز می‌کوشند. به طور مثال، رئیس مدرسه با تعیین حد بلندی موی پسران، به عنوان «مانع تراوش» در مقابل این نوآوری عمل می‌کند.^۱ بریتانیا برای مدت یک قرن، انقلاب صنعتی را در انحصار خود داشت و دولت بریتانیا خود مانع از اشاعه اختراعات و ابداعات متنوع ناشی از انقلاب صنعتی می‌شد؛^۲ چرا که این ابداعات و اختراعات، مزیت‌های اقتصادی در خور توجهی را برای انگلستان به بار آورده بود. موانع، شکل‌های گوناگون تحریم‌های اجتماعی، دولتی و یا طبیعی دارد. لطیفه قدیمی در مورد فروش یخچال به اسکیموها، نشانگر نقش موانع طبیعی در پذیرش نوآوری است.^۳

۲. نظریه‌ی پخش و معرفت‌سای افغانستان

در این بخش، نظریه‌ی پخش بر تأثیرگذاری حوزه‌ی علمیه‌ی قم نسبت به معرفت‌سای افغانستان تطبیق می‌گردد.

۲-۱. مبدأ پخش نوآوری سیاسی

با شکل‌گیری و تحول حوزه‌ی علمیه‌ی قم، کشورهای همجوار و منطقه‌ی خاورمیانه و

۱. همان، ص ۲۷.

۲. همان، ص ۵۰۶.

۳. همان، ص ۲۷.

جهان اسلام، به ویژه کشور افغانستان، تحت تأثیر این قلب فکری جهان اسلام و جهان تشیع قرار گرفت. ابداعات سیاسی و فرهنگی قم همچون هر نوآوری دیگر، به شدت برای مسلمانان جذاب و شگفت‌انگیز بود. از این رو حوزه علمی قم، کانون پخش و تراوش فکری در منطقه شد. یک بررسی مقایسه‌ای بین موزاییک فرهنگی منطقه قبل و بعد از وقوع انقلاب اسلامی (مهم‌ترین کانون تحول حوزه علمی قم)، به خوبی نشان‌دهنده تغییرات بافت موزاییک منطقه‌ای خاورمیانه است. بنابراین، ما شاهد یک سری تأثیرپذیری‌های غیرارادی و یا به تعبیر گراهام فولر، تأثیر رفلکسی از سوی مردم منطقه می‌باشیم. این تأثیرات نمایشی چنان قوی بود که حتی کسانی که علاقه‌ای به انقلاب اسلامی نداشتند، تحت تأثیر آن قرار گرفتند. این تأثیرگذاری، ناشی از قدرت سلبی یا نفی‌کنندگی حوزه علمی قم و تعمیم این باور است که «آیت‌الله» باید درست عمل کرده باشد که توانسته است، شاه را با تمام قدرتش و حمایت آمریکا، سرنگون کند و در جریان این چرخه، ایالات متحده را نیز تحقیر کند. به نظر آنان، امام خمینی (ره) (رهبری از حوزه علمی قم) به دلیل موفقیتش، یک الگوی اجتناب‌ناپذیر ایدئولوژی و انقلاب است.^۱

حوزه علمی قم نه تنها بر افغانستان و برخی کشورهای دارای جمعیت شیعی تأثیر گذاشت؛ بلکه در جهان اسلام و سطح بین‌الملل، از مهم‌ترین تحولات بود. به نظر آیت‌الله محسنی (از علمای برجسته افغانستان)، تأثیرات حوزه علمی قم و الهام‌بخشی این مرکز، برای بسیاری از جریان‌های اسلامی در جهان اسلام بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران کاملاً محسوس است و این پیروزی بر تمام جوامع اسلامی شیعه و سنی، خواسته و ناخواسته، تأثیرش را گذاشت.^۲

۲-۲. مقصد و مکان پخش

مقصد و مکان پخش، از دیگر عوامل و مباحث نظریه پخش است. مقصد اشاعه و

۱. برزگر، ابراهیم؛ **نظریه‌های بازتاب جهانی انقلاب اسلامی ایران**، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۱، ص ۵۱.
 ۲. مصاحبه با حضرت آیت‌الله آصف محسنی، رئیس شورای علمای شیعه و از رهبران شیعه و جهادی افغانستان، ۱۳۹۱/۶/۸، کابل.

پخش در این تحقیق، می‌تواند نوآوری‌های حوزه‌ی علمیه‌ی قم بر تمام ۵۷ کشور اسلامی عضو کنفرانس اسلامی یا ۲۰ کشور عربی خاورمیانه عربی و یا کشورهای خاورمیانه بزرگ و یا سایر مناطق آسیای میانه و مرکزی و آسیای جنوب شرقی باشد. در این تحقیق، مقصد و مکان پخش، کشور افغانستان در نظر گرفته شده است. طبیعی است که حوزه‌های پخش، گاه دارای محیط پذیرا و گاه ناپذیرا می‌باشند. منظور از محیط پذیرا، تجانس فکری، فرهنگی، دینی، اجتماعی و اقتصادی است. منظور از محیط ناپذیرا، تفاوت‌ها و اختلافات و شکاف‌های مذهبی، زبانی، نژادی و فرهنگی است. عوامل پذیرا موجب ایجاد زمینه‌های مساعد و همگرایی، و عوامل ناپذیرا موجب عدم تأثیرپذیری از پیام‌های مرکز پخش و واگرایی از آن می‌شود. مثلاً جوامع عراق، بحرین، افغانستان و لبنان، به جهت بافت مذهبی شیعی، محیط پذیرای حوزه‌ی علمیه‌ی قم هستند. طبیعی است که ممکن است بر اساس یک شاخص، کشوری به این مرکز نزدیک و بر اساس شاخص دیگری دور شود. به طور مثال، با توجه به اینکه حدود ۸۰ درصد^۱ مردم افغانستان به زبان فارسی صحبت می‌کنند، از حیث معیار زبانی، محیط پذیرا محسوب می‌شوند؛ اما از حیث مذهبی، یعنی وجود ۶۵ تا ۷۰ درصد اهل سنت و متأثر بودن آنان از عربستان سعودی و وهابیت، افغانستان به محیط ناپذیرا یا کم پذیرا تبدیل شده است. از طرفی، هم مذهب بودن و هم زبان بودن، هم عامل اشاعه دهنده و هم عامل شتاب دهنده پخش ایده‌هاست. در واقع، یکی از کارکردهای مذهب آن است که سرعت اشاعه رفتارها را در بین هم مذهبی‌ها، شتاب غیرقابل‌تصور می‌بخشد.^۲

اگر قم را به عنوان مرکز پخش در منطقه در نظر بگیریم و مکان و مقصد پخش را کشور افغانستان تصور کنیم، در این صورت، امواج پخش وارد محیطی می‌شود که

۱. افغانستان به دلایل بسیاری، آماری دقیق از اقوام و مذاهب ندارد. یکی از آمارهای مورد وفاق نسبی، آمار سازمان ملل است که مبنای مشارکت اقوام در کنفرانس بن بوده است. به موجب این آمار، پشتون‌ها ۳۳ درصد، تاجیک‌ها ۲۴ درصد، هزاره‌ها ۲۰ درصد، ازبک‌ها ۸ درصد و بقیه اقوام ۱۳ درصد محاسبه شده‌اند. با توجه به اینکه بسیاری از اقوام که زبانشان فارسی نیست، نیز به فارسی صحبت می‌کنند، مردم افغانستان با زبان فارسی آشنایی دارند.

۲. رفیع پور، فرامرز؛ **تضاد و توسعه**، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۶، ص ۹۲.

بعضاً محیط ناپذیر می‌باشد. این محیط ناپذیرا بعضاً در عناصری از روان‌شناسی سیاسی قابل تفسیر است؛ یعنی شکاف سنی - شیعی، از موانع پخش امواج حوزه‌ی علمیه‌ی قم در افغانستان است. بنابراین، امواج بازتاب حوزه‌ی علمیه‌ی قم، در بسیاری موارد به سدهای قوم‌گرایی (پشتون‌گرایی و ...)، اهل سنت‌گرایی یا زبان‌پشتوگری برخورد می‌کند و تنها امواج اندکی از آن، از این سدها عبور می‌کند و منشأ تأثیر می‌گردد. شکاف مذهبی باعث شد که مثلاً فقط طلاب شیعی و شیعیان مهاجر افغانی وارد ایران شوند و به همین سبب، اکثر مهاجران افغانی ساکن ایران شیعه بودند و ارتباط رجال سیاسی و اولویت سیاسی خارجی ایران نیز بیشتر معطوف به شیعیان باشد. به این دلیل، کاهش تأثیرگذاری انقلاب اسلامی بر اکثریت سنی مذهب جمعیت افغانستان، امری قابل پیش‌بینی بود؛ هرچند در مواردی نظیر رهبران سازمان «جمعیت اسلامی»، هویت ایرانی و شیعی انقلاب، مانعی برای پخش فرهنگی آن محسوب نشده است. آنان به عنوان اهل سنت و با هویت سنی خویش، حوزه‌ی علمیه‌ی قم را به عنوان قلب انقلاب اسلامی تأیید می‌کنند و بدین وسیله، امکان پخش آن را در جوامعی با بافت غالب اهل سنت نیز اندکی فراهم ساختند.

استاد **برهان‌الدین ربانی**، رئیس‌جمهور سابق افغانستان و رئیس شورای عالی صلح افغانستان، در ماه‌های نخستین پیروزی انقلاب اسلامی ایران، در یک سخنرانی عمومی در جمع طلاب و دانشجویان پاکستانی، از پیروزی انقلاب اسلامی و سرنگونی حکومت شاهی ایران چنین یادکرد: «پیروزی انقلاب اسلامی ایران، با ارمغانی که به ملت تقدیم کرد و آن چیزی که به وجود آورد، پرده‌های یأس و ناامیدی را پاره کرد. غلبه نیروی اسلامی این انقلاب، بر دار و دسته استعمار و در هم کوبیدن نظام استبدادی شاهی، برای مسلمانان ثابت کرد که دیگر ظلم و استبداد نمی‌تواند خشم ملت را خاموش کند. توپ و تانک نمی‌تواند جلو ایمان و عقیده را بگیرد. شاه با تمام هواداران خود نتوانست سیلاب انقلاب را مانع شود و به لطف خداوند، انقلاب پیروز شد و پرچم توحید را در فضای ایران مسلمان به اهتزاز در آوردند». این همگامی با نظام و

انقلاب اسلامی تا واپسین لحظات عمر وی ادامه داشت و چند روز قبل از ترورش در اولین همایش بیداری اسلامی در تهران، پیرامون انقلاب اسلامی و امام خمینی (ره) چنین گفت: «انقلاب اسلامی ایران را رهبری مذهبی به پیروزی رساند؛ در رأس قیام‌های اسلامی موفق، کسانی قرار داشتند که از مراکز دینی فارغ‌التحصیل شده‌اند»^۱.

۲-۳. زمان پخش

مطالعه‌ی چگونگی انتشار نوآوری‌ها در فضا و زمان، حاکی از شکل موج مانند است. در تصویری که بر اساس کار جغرافی‌دان آمریکایی، ریچارد موریل ترسیم شده است، مشاهده می‌شود که موج انتشار، نخست ارتفاع محدودی دارد (منعکس‌کننده میزان محدود پذیرش)، آن‌گاه هم ارتفاع و هم وسعت موج افزایش می‌یابد و سپس ارتفاع آن کاهش می‌یابد. ضعف تدریجی موج، به زمان و فضا بستگی دارد؛ نظیر زمانی که موج نوآوری به قلمرو ناپذیرایی وارد می‌شود و به موانع برخورد می‌کند، یا با امواج نوآوری رقیب، مغشوش می‌شود. ممکن است این امر موجب سرعت یا کندی حرکت آن شود. وقتی موج عازم از یک مرکز نوآوری با موجی که از جهت دیگر می‌آید، برخورد کند، هویت خود را از دست خواهد داد.^۲

بر اساس پژوهش‌های موریل، می‌توان گفت که هرچه از زمان نقطه تحول حوزه‌ی علمیه‌ی قم، یعنی بعد از وقوع انقلاب اسلامی ایران بگذرد، از میزان پذیرش تأثیرات آن کاسته می‌شود. بنابراین، طبیعی است که تأثیر حوزه‌ی علمیه‌ی قم در سال ۱۳۵۷ با سال ۱۳۹۲ متفاوت باشد. اما آنچه که این تحقیق به آن رسیده است، عکس نتیجه تحقیقات ریچارد موریل است و در تأثیر حوزه‌ی علمیه‌ی قم در افغانستان، عکس تحقیقات موریل اتفاق افتاده است؛ یعنی هرچه از زمان نقطه اوج حوزه‌ی علمیه می‌گذرد، تأثیر بیشتر و امواج زیادتری بر مقصد پخش یعنی افغانستان وارد می‌شود؛ زیرا مقصد پخش یعنی جامعه افغانستان، در برابر امواج و پیام‌های بیشتری قرار گرفت؛ به ویژه

۱. *خبرگزاری فارس*: ۲۹ شهریور ۱۳۹۲.

۲. برزگر، ابراهیم؛ *نظریه‌های بازتاب جهانی انقلاب اسلامی ایران*، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۱، ص ۴۳.

مهاجرین و طلاب و دانشجویان افغانی در سطح وسیع‌تر در ارتباط با مرکز پخش، یعنی حوزه‌ی علمیه‌ی قم قرار گرفتند و از طرفی دیگر، مجاری پخش فعال‌تری نظیر جامعه‌المصطفی (ص) و ... نیز فعال شدند.

در این زمینه، حضرت آیت‌الله محسنی معتقد است: «حوزه‌ی علمیه‌ی قم بعد از پیروزی انقلاب اسلامی بر تمام مسلمانان اعم از شیعه و سنی، خواسته و ناخواسته تأثیر گذاشت». ایشان درباره تأثیر این حوزه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی بر دفاع و جهاد اسلامی مردم افغانستان علیه روس‌ها می‌گوید: «پیروزی انقلاب اسلامی به ما روحیه داد و ما می‌دانستیم که در بعد نظامی و اسلحه، ما در برابر شوروی یک به صد هم نبودیم و جنگ کاملاً نابرابر بود و این انقلاب ما را تقویت روحی نمود».^۱ ایشان در باره سیر زمانی نیز معتقد است: «حوزه‌ی علمیه‌ی قم در اواخر بسیار موثر وارد افغانستان شده است و طلاب افغانی فارغ‌التحصیل از قم، در مراکز زیادی در افغانستان مشغول به فعالیت هستند».^۲

یکی از دلایل عمده‌ی سیر صعودی تأثیرگذاری حوزه‌ی علمیه‌ی قم در افغانستان، بحث از کارآمدی و جایگزینی نظام اسلامی تجربه شده در ایران، در افغانستان است. با سرنگونی طالبان بعد از وقایع ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و تشکیل دولت جدید در افغانستان، این بار الگو برداری از انقلاب اسلامی و واقعیت کارآمدی یا ناکارآمدی آن، مطرح شد. البته عده‌ای هستند که الگوی حکومتی ایران را در قالب القای تصور ناکارآمدی مطرح می‌کنند؛ تا بدین سان از بازتاب و تأثیر این مرکز بکاهند. به طور مثال، **زلمی خلیل‌زاد** در مصاحبه‌ای در آن زمان اظهار داشت: «ایران با درآمد نفتی بیست میلیارد دلار در سال، گرفتار مشکلات عظیم اقتصادی مثل بیکاری، گرانی و تورم بالاست. اگر درآمد نفت نبود، حکومت ایران بارها سقوط کرده بود».^۳

۱. مصاحبه با حضرت آیت‌الله آصف محسنی، رئیس شورای علمای شیعه و از رهبران شیعه و جهادی افغانستان، ۱۳۹۱/۶/۸، کابل.

۲. همان.

۳. برزگر، ابراهیم؛ **نظریه‌های بازتاب جهانی انقلاب اسلامی ایران**، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۱، ص ۵۸.

۲-۴. مسیره‌ها، مجاری و ابزارهای پخش

چنانچه در نظریه پخش گفته می‌شود، یک حداقلی از افراد نیاز است که رفتاری را انجام دهند، تا پس از آن، جریان اشاعه ادامه یابد. از این‌رو، لازم است مجاری و نهادهایی، کار پخش را انجام دهند. در این تحقیق، نهادهایی نظیر رایزن‌های فرهنگی، وزارت ارشاد، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، وزارت آموزش و پرورش، وزارت علوم، صدا و سیما، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، مجمع جهانی اهل بیت (ع) و به ویژه جامعه المصطفی العالمیه، و ... به عنوان مسیره‌ها، مجاری و ابزارهای پخش مطرح هستند.

البته کنفرانس‌ها، همایش‌ها و مراسم نیز دارای خصوصیت کارکردی ابزار پخش هستند. سالگردهای پیروزی انقلاب اسلامی و دعوت از شخصیت‌های افغانی و یا اعزام هیئت‌هایی به افغانستان، اعطای بورس تحصیلی به طلاب و دانشجویان بدین منظور که پس از بازگشت به وطن، به عامل پخش ایده حوزه‌ی علمیه تبدیل شوند، فراگیری و توزیع آثار و کتاب‌های بزرگان حوزه‌ی علمیه چون امام خمینی، شهید مطهری، علامه طباطبایی و ... که امکان انتقال پیام‌ها را فراهم می‌کند، از جمله مسیره‌ها و کانال‌های پخش حوزه‌ی علمیه بوده است.

۲-۵. انواع پخش‌ها و مصادیق آن

به نظر می‌رسد در افغانستان هر سه نوع پخش جابه‌جایی، پخش سرایتی و پخش سلسله مراتبی به گونه‌ای رخ داده است.

۲-۵-۱. پخش جابه‌جایی

نمونه‌ای از این نوع پخش را در تأثیرگذاری حوزه‌ی علمیه‌ی قم در اعزام مبلغان از حوزه‌ی علمیه‌ی قم به افغانستان می‌بینیم. از طرفی دیگر، چندین میلیون افغانی پس از اشغال افغانستان به ایران مهاجرت کردند. اقامت طولانی مدت آنان موجب شد تا بسیاری از نخبگان آنان در دانشگاه‌ها، حوزه‌های علمیه و مدارس به تحصیل بپردازند و از نزدیک با پیام‌های حوزه‌ی علمیه آشنا شوند. به طور طبیعی، آنان در بازگشت به سرزمین خود و یا در رفت و آمدهای خود به دو سوی مرزها، می‌توانند حامل پیام‌های

حوزه‌ی علمی باشند. علاوه بر مبلغان افغانی که از حوزه‌های علمی به افغانستان اعزام می‌شوند، شخصیت‌های ایرانی نیز در افغانستان کار پخش جابه‌جایی را برعهده دارند. نهادها و مراکزی مانند نمایندگی جامعه المصطفی در افغانستان و دیگر مؤسسات و نهادها کار پخش جابه‌جایی را انجام می‌دهند.

۲-۵-۲. پخش سرایتی و اثر همسایگی

یکی از مباحث پخش سرایتی، تسری موضوعات پخش به نزدیک‌ترین اقشار، افراد و مناطقی است که در مجاورت تغییر و نوآوری قرار دارند. بنابراین، با توجه به مجاورت دو کشور افغانستان و ایران و با توجه به محیط نیمه‌پذیرای افغانستان و تجانس فرهنگی و مذهبی و سایر مشترکات مردم دو کشور، انتظار می‌رفت که در «اثر همسایگی»، افغانستان جزء اولین کشورهایی باشد که در معرض پیام‌های حوزه‌ی علمی‌ی قم قرار گیرد و به گونه پخش سرایتی، این پیام‌ها به آنجا تسری پیدا کند. فراتر از آن، تحولات دیگری که در مرزهای ایران صورت می‌گیرد، به گواه ناظران، برای جلوگیری از سرایت آن پیام‌ها به سایر کشورهای همجوار ایران انقلابی بوده است. اشغال نظامی افغانستان توسط شوروی می‌تواند در راستای جلوگیری از رسیدن امواج انقلاب اسلامی بدان کشور تفسیر شود. با این حال، شاید بتوان نقش علما و بزرگان و مراجعی را که در قم دانش آموختند و به افغانستان بازگشتند، نقش پخش سرایتی معرفی کرد. از شخصیت‌های علمی و اجتماعی که در این حوزه و حوزه‌ی علمی نجف حضور داشتند، می‌توان به بزرگانی چون آیات عظام **حجت، واعظ، افشار، فیاض، تقدسی، محقق، محسنی** و شخصیت‌های علمی دیگر اشاره نمود.

۲-۵-۳. پخش سلسله مراتبی

به نظر می‌رسد، بعد از پخش جابه‌جایی، بیشترین تأثیر حوزه‌ی علمی قم در افغانستان، از طریق پخش سلسله مراتبی انجام گرفته است. وجود چندین هزار طلبه افغانی در حوزه‌های علمی قم و مشهد، نشان دهنده این است که ایده‌های حوزه‌ی علمی، بیشتر، از طریق پخش سلسله مراتبی انجام گرفته است؛ زیرا در پرتو پیروزی

انقلاب اسلامی در ایران، شرایط جدیدی ایجاد شد و با استفاده از فرصت پیش‌آمده، طلاب بیشتری وارد مراکز حوزوی قم شدند و به فراگیری دانش و معارف دینی پرداختند و بدین سبب، میزان طلاب و روحانیون افغانستانی، در حد غیرقابل مقایسه‌ای رشد یافت. برای نمونه، تنها تعداد دانش‌آموختگان جامعه المصطفی در سال ۱۳۸۸ ش، به حدود ۵۰۰۰ طلبه رسید. ریاست جامعه المصطفی العالمیه در سال ۱۳۹۱ طی سخنرانی در کابل اعلام داشت: حدود ۲۸۰۰ نفر از طلاب افغانی در قم و مشهد و اصفهان، طبق نظام آموزشی «المصطفی» در حال تحصیل‌اند و قریب ۲۰۰۰ نفر دیگر هم به عنوان فارغ‌التحصیل حضور دارند.^۱ این در حالی است که بسیاری از طلاب و دانش‌آموختگان دینی، در دیگر حوزه‌های علمیه خارج از نظام آموزشی جامعه المصطفی مشغول به تحصیل بوده و هستند. اگر ما این افراد را بر آمار جامعه المصطفی بیفزاییم، به خوبی روشن می‌شود که چگونه ایده و پیام‌های حوزه‌ی علمی از طریق این طلاب به افغانستان نفوذ کرده است.

از سویی دیگر، بسیاری از طلاب و روحانیانی که برای تبلیغ می‌رفتند، اقدام به تأسیس مدارس و حوزه‌های علمیه در افغانستان می‌نمودند که خود به عامل مهم دیگر پخش ایده و پیام حوزه‌ی علمی قم تبدیل می‌شدند. در پیوست شماره ۱، جدولی از حوزه‌های علمیه افغانستان نشان داده شده است که بسیاری از آنها را دانش‌آموختگان قمی بنا کرده‌اند و یا آنان از اساتید و گردانندگان این مدارس به حساب می‌آیند.

البته گونه‌های دیگر پخش سلسله مراتبی و یا سرایتی حوزه‌ی علمی در افغانستان را باید در جایگاه تأثیرگذار مرجعیت‌های علمی و فقهی و نیز جایگاه ممتاز رهبری انقلاب اسلامی که تربیت‌شده حوزه‌ی علمی هستند، دانست. باید در نظر داشت که با توجه به اینکه بسیاری از شیعیان افغانستان، امام خمینی (ره) و دیگر مراجع ساکن قم را مرجع تقلید خود می‌دانستند و می‌دانند، به‌طور طبیعی دیدگاه‌های مراجع به ویژه امام خمینی (ره)، در این کشور پخش و اشاعه سلسله مراتبی و سرایتی می‌یافت. بر این

۱. محامی، مصطفی؛ ویژه‌نامه همایش «دین، فرهنگ و رسالت علمای افغانستان»، قم: بی‌نا، ۱۳۹۰، ص ۱۴.

نکته، باید رابطه شاگردی- استادی برخی از علما و روحانیون افغانستانی را افزود. به طور مثال، بسیاری از رهبران شیعیان افغانستان، در حوزه‌ی علمیه‌ی قم اقامت طولانی مدت داشتند و ملاقات‌هایی هم با امام خمینی(ره) داشتند؛ افرادی که خود دارای موقعیت سلسله مراتبی و سرایتی در پخش ایده‌ها بودند. برای نمونه، در افغانستان افرادی مثل **سید عبدالحمید ناصر** و بسیاری دیگر از عالمان را به عنوان مقلدین امام خمینی(ره) می‌شناسند.^۱

همچنین نمونه‌های زیادی وجود دارد که طلاب افغانی در حلقه‌های درس و جلسات تبیین حکومت اسلامی امام(ره) حضور پیدا می‌کردند. این تعاملات رفته‌رفته شکل نظام‌مند پیدا نمود و امام(ره) اشخاصی را به عنوان نماینده خود در امور مذهبی به افغانستان فرستادند. در سال ۱۳۴۶ش (۱۹۶۷) شهید «سید اسماعیل بلخی» به قصد زیارت عتبات، در نجف با امام(ره) دیدار کرده بود و بلافاصله پس از بازگشت به افغانستان، فعالیت‌های مبارزاتی را در برابر حکومت «ظاهر شاه» از سر گرفت. همچنین «آیت‌الله سید سرور واعظ» حساسیت رژیم‌های ایران و افغانستان را در خصوص ارتباطش با حوزه‌ی علمیه نجف، به ویژه امام خمینی(ره) بر انگیزته بود. در گزارش سفارت ایران در کابل برای ساواک چنین آمده است: «یکی از روحانیون معروف کابل به نام سید سرور واعظ، به وسیله دولت افغانستان بازداشت گردیده و از وی اسناد و مدارکی مبنی بر ارسال برای (آیت‌الله) خمینی در نجف به دست آمده است. نامبرده تحت بازجویی قرار دارد و ممکن است گروهی از شیعیان بازداشت شوند».^۲ اخیراً (سپتامبر ۲۰۱۳ مهرماه ۱۳۹۲) سندی توسط سازمان مبارزه با جرایم جنگی هلند منتشر شده است که براساس آن، سازمان استخبارات افغانستان (آگسا) در یک کشتار دسته‌جمعی، حدود پنج هزار نفر را به شهادت رسانده است و از جمله، نام شهید

۱. مصاحبه با حجت‌الاسلام سید محمدحسین رضوانی بامیانی، عضو شورای علمای شیعه، رئیس دفتر نمایندگی حضرت آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی در کابل و رئیس کمیسیون فرهنگی شورای علماء، ۱۳۹۱/۶/۴، کابل.

۲. همان، سند ۲۹.

مظلوم آیت‌الله سید محمد سرور واعظ به شماره ۴۴۸۹ و بسیاری دیگر به چشم می‌خورد، که بسیاری از آنان با جرم «خمینیست بودن» به شهادت رسیدند.

از این سند که گروه تحقیق و بررسی جنایات جنگی بین‌المللی مربوط به پلیس ملی هلند کار تحقیق آن را بر عهده داشت، فهرست شهدای سال‌های ۱۳۵۸-۱۳۵۷ در افغانستان به دست آمد. در این فهرست، نام حدود ۵۰۰۰ نفر که توسط رژیم وقت کشته شده بودند و از طرف مقامات رسمی ثبت شده بود، انتشار یافته است. پلیس هلند در سال ۲۰۱۰، تحقیقی را تحت نظر و رهبری یکی از دادستان‌های هلندی دربارهٔ شخصی به نام امان‌الله. ع آغاز نمود. وی مظنون به ارتکاب جنایات جنگی در سال‌های ۱۳۵۷-۱۳۵۸ در افغانستان بود. این تحقیق، دست داشتن امان‌الله. ع را در شکنجه افراد، مورد بررسی قرار می‌داد. وی به عنوان مدیر تحقیق آگسا، ایفای وظیفه می‌کرد. امان‌الله. ع در ماه مه سال ۱۹۹۳ به عنوان پناهنده به هلند رفت. موصوف در مصاحبهٔ خویش با دفتر مهاجرین وزارت دادگستری هلند ابراز داشته که وی مدیر تحقیق آگسا بوده است و مردم در آنجا شکنجه می‌شدند. پرونده و تحقیق دربارهٔ امان‌الله. ع بر اساس اظهارات وی در جریان مصاحبه‌اش با دفتر مهاجرین هلند و بر اساس اسناد صورت گرفت و این اسناد در کتابی توسط شخصی به نام «میرویس وردک» به چاپ رسیده است.^۱

۲-۶. موضوع پخش

حقیقت آن است که موضوع پخش حوزه‌ی علمیه‌ی قم، طیف متنوع و وسیعی از انواع تأثیرات فکری و فرهنگی را تشکیل می‌دهد که باید در یک مجال دیگر بررسی شود. این تحقیق می‌کوشد بخشی از تأثیر فکری یعنی معرفت‌سیاسی را در مورد افغانستان، از طریق نظریه پخش مورد بررسی قرار دهد. آنچه از معرفت‌سیاسی متأثر از حوزه‌ی علمیه‌ی قم بیان خواهد شد، بیشتر ناظر به بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در

۱. برای اطلاعات بیشتر دربارهٔ این حادثه هولناک ن.ک: <http://www.om.nl> (سایت مبارزه با جرایم جنگی وزارت دادگستری هلند).

ایران است. پس از انقلاب این حوزه بیشتر توانست در سراسر قلمروهای شیعی و جهان اسلام، به ویژه افغانستان نقش آفرینی کند.

۲-۶-۱. اعلام موجودیت سیاسی

علما و روحانیت افغانی با کسب تجربه از حوزه‌های علمیه و با توجه به وضعیت نابسامان سیاسی افغانستان، در بحث نقد نظام‌های سیاسی حاکم در این کشور و راه‌های ایجاد یک نظام اسلامی و یا حداقل، خروج از نظام استبدادی، انحصاری و موروثی و خودکامه، تلاش می‌کردند تا شیعیان را به عنوان یک اقلیت سیاسی به اکثریت معرفی کنند. آنان در مناسبت‌های مختلف، مجالس با شکوهی ترتیب می‌دادند و موفق شده بودند که اعضای کابینه و حتی شاه را پای منبر و سخنرانی خویش بکشاند. هدف آنان به دست آوردن سهمی در قدرت نبود؛ بلکه می‌خواستند با برگزاری علنی مراسم و آیین‌های مذهبی، از سویی به آگاهی‌های مذهبی شیعیان بیفزایند، و از سوی دیگر، اعلام موجودیت کرده، شیعیان را به دیگران معرفی کنند. آنان در کسب این اهداف، به موفقیت‌های زیادی دست یافتند. این در حالی بود که در اوایل حکومت ظاهر شاه، شیعیان در کابل به طور کامل تقیه می‌کردند.^۱ این گروه اگرچه به صورت آشکار وارد مباحث و مسائل سیاسی نمی‌شدند؛ ولی تلاششان بهبود وضعیت سیاسی-اجتماعی شیعیان بود.^۲

۲-۶-۲. جهاد در برابر اشغال‌گران

بدون شک روحانیت شیعه افغانستان، با الهام از حوزه‌ی علمیه‌ی قم، در جهاد و به وجود آوردن جبهه‌های مقاومت علیه روس‌ها نیز پیشگام بوده و برای نخستین بار در تاریخ تشیع افغانستان، دست به حرکت اصلاحی در میان مردم و مبارزه علیه ستم و ستمگری زد. در این جنگ سرنوشت‌ساز، علمای افغانستان نقش رهبری و تعیین‌کننده

۱. بختیاری، محمد عزیز؛ **شیعیان افغانستان**، قم: مؤسسه شیعه‌شناسی، ۱۳۸۵، ص ۱۹۰.

۲. مصاحبه با حجت‌الاسلام والمسلمین احسانی، فرزند آیت‌الله رئیس یکاولنگی و مسئول مدرسه علمیه محمدیه یکاولنگ ولایت بامیان، ۱۳۹۱/۵/۳۱، یکاولنگ بامیان؛ مصاحبه با حجت‌الاسلام والمسلمین محمد اکبری، رئیس حزب وحدت ملی اسلامی افغانستان، نماینده مردم بامیان در پارلمان و عضو شورای علمای شیعه، ۱۳۹۱/۶/۱۰، کابل.

داشته‌اند. پدر، عمو و جد بزرگوار حضرت آیت‌الله حجت (ره)، از جمله علمای دینی و از جمله نخستین کسانی بودند که در مقابل نیروهای اشغالگر و متجاوز انگلیسی، علم مخالفت و مبارزه را بر افراشتند.^۱

از این رو، شیعیان در جهاد و دفاع نیز پیشگام بودند. در جهاد در برابر ارتش سرخ شوروی، مردم در ابتدا با سلاح‌های سرد دست به قیام زدند؛ اما به زودی از سازمان‌های جهادی که در پاکستان و ایران شکل گرفته بودند، سلاح دریافت کردند. از این رو، نخستین جرقه‌های انقلاب اسلامی، در مناطق شیعی زده شد و پس از آن، آتش انقلاب به تدریج همه کشور را فراگرفت.^۲

همان گونه که آیت‌الله محسنی، رئیس شورای علمای شیعه افغانستان بیان داشتند، روحانیت شیعه این پیشگامی را از قم به عاریت گرفتند.^۳

۲-۶-۳. دفاع از حقوق سیاسی شیعیان

علما و حوزه‌های علمیه، به ویژه حوزه علمیه قم، بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، در سرنوشت سیاسی شیعیان کشورها دخالت مستقیم و غیرمستقیم داشتند. پس از پیروزی انقلاب، طلاب زیادی از سراسر افغانستان وارد حوزه علمیه قم شدند و بعد از تحصیل و اندوختن کوله باری از علم، به کشورشان باز گشتند و در سرنوشت سیاسی کشور، دخالت زیادی داشتند. یکی از مهم‌ترین وظایف آنان دفاع از حقوق سیاسی شیعیان از جنبه‌های گوناگون بود. علما و دانش‌آموختگان حوزه‌های علمیه، بعد از سقوط طالبان، به صورت جدی وارد بسیاری از مسائل و عرصه‌ها شدند؛ از کنفرانس «بن» و لوی جرگه اضطراری گرفته، تا تصویب قانون اساسی.^۴

۱. رجا، محمد سرور؛ احیای شیعه در افغانستان، زندگی‌نامه حضرت آیت‌الله آقای حجت کابلی، قم: نشر افق فردا، ۱۳۸۲، ص ۳۴.

۲. بختیاری، محمد عزیز؛ شیعیان افغانستان، قم: مؤسسه شیعه‌شناسی، ۱۳۸۵، ص ۱۹۹.

۳. مصاحبه با حضرت آیت‌الله آصف محسنی، رئیس شورای علمای شیعه و از رهبران شیعه و جهادی افغانستان، ۱۳۹۱/۶/۸، کابل.

۴. مصاحبه با حجت‌الاسلام سید محمدحسین رضوانی بامیانی، عضو شورای علمای شیعه، رئیس دفتر نمایندگی حضرت آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی در کابل و رئیس کمیسیون فرهنگی شورای علما، ۱۳۹۱/۶/۴، کابل.

یکی از دستاوردهای حوزه‌های علمیه و روحانیت، به ویژه تربیت‌یافتگان حوزه‌ی علمیه‌ی قم، برای شیعیان افغانستان، توجه آنان به انسجام و سازماندهی جامعه شیعی و اظهار وجود آنها به عنوان درصد قابل‌ملاحظه‌ای از جمعیت کشور، جهت تحقق خواسته‌های خود بود. تقویت جایگاه سیاسی- اجتماعی شیعیان افغانستان، امروزه از نقش فعال آنان در حکومت، با توجه به سابقه بسیار کم‌رنگ سیاسی- اجتماعی شیعیان در تاریخ معاصر که گاهی در برهه‌هایی از تاریخ معاصر کاملاً از صحنه سیاسی حذف شدند، روشن‌تر درک می‌شود.

۲-۶-۴. مطرح شدن و محوریت روحانیت در رفتار سیاسی

قبل از سده بیستم، عالمان شیعه به ویژه روحانیت افغانستان، حضور چندانی در صحنه‌های سیاسی و اجتماعی نداشتند و بیشتر به اجرای مراسم سنتی، به ویژه عزاداری سیدالشهداء (علیه‌السلام) بسنده می‌کردند. رشد چشمگیر فعالیت‌های سیاسی شیعیان در افغانستان، از زمانی آغاز گردید که گروهی از دانش‌آموختگان حوزه‌های علمیه، به ویژه حوزه‌ی علمیه‌ی قم و به خصوص شاگردان حضرت امام (ره)، وارد افغانستان شدند. همچنین رشد چشمگیر فعالیت‌های سیاسی شیعیان، از معاونت ریاست جمهوری تا بسیاری از نمایندگان پارلمان و دیگر نهادها، نشان از پویایی عملکرد روحانیت در امور سیاسی دارد. در رأس قریب به اتفاق گروه‌های شیعی افغانستان، یک روحانی قرار دارد.^۱ این در حالی است که این روحانیون متأثر از حوزه‌ی علمیه‌ی قم هستند و در رأس همه، متأثر از اندیشه و رفتار امام خمینی (ره) می‌باشند. ایشان در باره دخالت علما در سیاست می‌فرماید:

«باید عرض کنم که سیاست برای روحانیون و برای انبیا و برای اولیای خدا حقیقی است؛ لکن سیاستی که آنها دارند، دامنه‌اش با سیاستی که اینها دارند فرق دارد. ما اگر فرض کنیم که یک فردی هم پیدا بشود که سیاست صحیح را اجرا کند؛ نه به آن معنای

۱. برهانی، محمدجواد؛ نقش اسلام در دگرگونی اجتماعی با تأکید بر افغانستان معاصر، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۸ء، ص ۳۶۶.

شیطانی فاسدش، یک حکومتی، یک رئیس‌جمهوری، یک دولتی، سیاست صحیح را هم اجرا کند و به خیر و صلاح ملت باشد، این سیاست، یک بُعد از سیاستی است که برای انبیا بوده است و برای اولیا و حالا برای علمای اسلام»^۱

ناگفته پیداست که سهم حوزه‌ی علمیه‌ی قم در سیاسی کردن جامعه شیعه غیر قابل انکار است. بعد از سیاسی شدن حوزه علمیه قم، علمای شیعه در حرکت‌های مذهبی و اجتماعی خود، مردم را به مشارکت در مسائل سیاسی دعوت می‌کردند. هم اکنون شیعیان این کشورها نقش عمده‌ای در سیاست کشورشان ایفا می‌کنند.^۲ از این‌رو، می‌توان نتیجه گرفت که از لحاظ سیاسی نیز اندیشمندان و فضولای افغانستانی، از نجف و به ویژه از مراکز دینی قم تأثیر پذیرفته‌اند و با شکل‌گیری نظام اسلامی در ایران، در بسیاری از کشورها از جمله افغانستان، علما وارد مباحث سیاسی شدند و جمهوری اسلامی ایران خواسته یا ناخواسته، در تحولات افغانستان موثر واقع شد. از این‌رو، می‌بینیم که تشکیل احزاب افغانی با کمک مادی و معنوی ایران صورت گرفت.^۳ در واقع، افزایش اقبال به سمت روحانیت و تقویت این نهاد، حوزه‌های علمیه را به عنوان کانون سیاست تبدیل کرد و شیعیان را به لزوم پیروی از روحانیت انقلابی متوجه ساخت.

۲-۶-۵. تلاش برای وحدت سیاسی شیعیان

واقعیت آن است که وحدت تمامی گروه‌های جهادی و انسجام عمومی جامعه شیعه در زمان جهاد، خوشایند بسیاری نبود. بسیاری از طرف‌های داخلی، مانند حکومت کمونیستی و گروه‌های رقیب، مانع تحقق وحدت سیاسی و نظامی شیعیان به شمار می‌رفتند. به همین دلیل، از هرگونه اقدام منفی و تبلیغاتی جهت ایجاد کارشکنی و تضعیف وحدت دریغ نمی‌کردند. رفع تنش‌های درونی گروه‌های جهادی و تحقق

۱. صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۴۲۲.

۲. امرایی، حمزه؛ انقلاب اسلامی ایران و جنبش‌های اسلامی معاصر، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳، ص ۱۷۷.

۳. مصاحبه با دکتر وحید بینش، رئیس گروه علوم سیاسی و عضو هیأت علمی مؤسسه تحصیلات عالی خاتم‌النبین، ۱۳۹۱/۶/۷، کابل.

وحدت و انسجام سراسری نیروها، از یک سو ضرورت دینی و مذهبی، و از سوی دیگر، آرزوی قاطبه مردم شیعه بود. همین ضرورت باعث شد که رهبران متعهد و مردمی گروه‌های جهادی شیعه، بر بسیاری از این مشکلات فائق آمده و وحدت سیاسی و فرهنگی را در جامعه افغانستان عینیت بخشند. آیت‌الله محسنی یکی از اصلی‌ترین تلاش‌گران وحدت میان شیعیان در افغانستان و بلکه یکی از منادیان اصلی تقریب مذاهب اسلامی در جهان اسلام می‌باشد.

نخستین تلاش، در سال ۱۳۵۸ برای اتحاد گروه‌های شیعی افغانستان در ایران صورت گرفت که در آن، هفت گروه فعال در ایران، در سازمان تازه‌ای به نام «حزب اتحاد انقلاب اسلامی افغانستان» گرد هم آمدند. ظاهراً حرکت اسلامی افغانستان به رهبری آیت‌الله آصف محسنی محرک اصلی این ائتلاف بود.^۱ دومین تلاش برای اتحاد گروه‌های شیعه، در همان سال در تهران صورت گرفت. حدود ده گروه شیعی، یعنی حرکت اسلامی، سازمان نصر، روحانیون جوان افغانستان، نیروهای اسلامی، مجاهدین خلق افغانستان، اتحادیه علمای افغانستان، جنبش مستضعفین افغان، شورای اتفاق اسلامی و حزب رعد اسلامی، در این ائتلاف شرکت داشتند. آیت‌الله محسنی به عنوان دبیر کل سازمان جدید که «جبهه آزاد جنبش انقلاب اسلامی افغانستان» نام داشت، انتخاب شد.^۲

تلاش‌های وحدت‌بخش زیادی توسط نهادهای حوزوی متأثر از حوزه‌ی علمیه‌ی قم صورت گرفت. بیشترین تلاش برای وحدت سیاسی میان گروه‌های شیعه افغانی در قم انجام گرفت. «البویه روا» در این زمینه معتقد است: «دومین تلاش برای متحد کردن شیعه، تحت توجهات روحانیون حوزه‌ی علمیه‌ی قم صورت گرفت».^۳ تلاش برای وحدت گروه‌های سیاسی بارها در داخل افغانستان بین این گروه‌ها صورت گرفته بود؛

۱. احمدی، حمید؛ **سیر تحول جنبش‌های اسلامی: از نهضت سلفیه سید جمال تا بهار عربی (۲۰۱۱-۱۸۷۰)**، ج اول، تهران: دانشگاه امام صادق(ع)، ۱۳۹۰، ص ۲۲۹.

۲. همان، ص ۲۲۹-۲۳۰.

۳. روا، البویه؛ **افغانستان از جهاد تا جنگ‌های داخلی**، ترجمه علی عالمی کرمانی، ج دوم، تهران: نشر عرفان، ۱۳۹۰، ص ۱۱۵.

اما به صورت جدی و در خارج از افغانستان، نخستین بار، مراکز دینی قم پیشگام وحدت سیاسی شیعیان افغانستان گردیدند؛ همان طور که در تکرر گروه‌های سیاسی نیز نقش بسیار داشتند. عضو شورای مدیریت حوزه‌های علمیه و نماینده پارلمان در افغانستان معتقد است: «علما و روحانیون در جنگ‌های داخلی نقش میانجی را بازی کردند و در سال ۱۳۶۴ هیئتی از حوزه‌ی علمیه برای اصلاح و میانجی‌گری به مناطق هزاره‌جات رفتیم و نقش داور را در حل اختلافات به عهده گرفتیم.^۱»

۲-۶-۶. شکل‌گیری احزاب و تشکل‌های سیاسی

پس از کودتای داوود خان در سال ۱۳۵۲ و استقرار حکومت جمهوری در افغانستان، حرکت شیعیان تا حدودی شکل سازمانی پیدا کرد. از این زمان به بعد، احزاب و جریان‌های سیاسی شیعی افغانستان بدون استثنا، در اصل تأثیرپذیری، تحت تأثیر حوزه‌ی علمیه‌ی قم شکل گرفته و رشد کردند. همزمان با انقلاب اسلامی و جهاد با کمونیسم در افغانستان، احزاب پانزده‌گانه در افغانستان شکل گرفت که هشت حزب آن شیعی و شکل گرفته در تهران، قم و مشهد است.^۲ این گروه‌ها، به دنبال حمایت قاطع امام(ره) از هرگونه حرکت انقلابی شیعیان افغانستان تأسیس شدند. شیعیان افغانستان در همان اوایل، اتحادیه‌ای را به وجود آوردند که ساواک از آن به نام «اتحادیه مذهبی خمینی» نام می‌برد.^۳

در دهه ۱۳۵۰ هزاران نفر از شیعیان به ایران مهاجرت نمودند. در طول این سال‌ها جوانان افغانی مهاجر، به شدت سیاسی شده و اقدام به تشکیل گروه‌های معارض شیعی نمودند. تأثیر این تحولات تا حدی بود که عده‌ای از پژوهشگران، این دوره را به نام «دوره ایرانی شدن جوانان افغانی» نام نهادند.^۴

۱. مصاحبه با حجت‌الاسلام والمسلمین عالمی بلخی سید حسین عالمی بلخی، عضو شورای مدیریت حوزه‌های علمیه و نماینده پارلمان در تاریخ ۱۳۹۱/۶/۹ کابل.

۲. پیوست شماره ۲.

۳. ظهیری نژاد مهناز؛ مناسبات امام با حرکت‌ها و مبارزان اسلامی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲، سند ۲۶.

۴ فراتی، عبدالوهاب؛ انقلاب اسلامی و بازتاب آن، انجمن معارف اسلام ایران، بی‌جا: زلال کوثر، ۱۳۸۱، ص ۸۵.

برخی از احزاب مطرح شیعی و نسبت آنان با حوزه‌ی علمیه

شورای انقلابی اتفاق اسلامی افغانستان: این حزب در تابستان سال ۱۳۵۸ (۱۹۷۹)

در گردهمایی بزرگ عالمان و نمایندگان مناطق مختلف شیعه‌نشین در شهرستان ورس استان بامیان تشکیل شد. این اجلاس پانزده روز طول کشید و در آن، حدود ۵۰۰ تن از نمایندگان مناطق مختلف که عالمان دینی و شخصیت‌های مذهبی - سیاسی بودند، شرکت داشتند.^۱ اسپوزیتو درباره شکل‌گیری «شورای اتفاق» معتقد است: «شورای اتفاق توسط روحانیون همچون آیت‌الله سید علی بهشتی، میرها^۲ و روشنفکران در تابستان ۱۹۷۹ به وجود آمد».^۳ بنابراین، علما و بزرگان دین بودند که در جلسه‌ای در ورس بامیان شورای انقلابی اتفاق اسلامی را به راه انداختند و آیت‌الله بهشتی را نیز به عنوان رهبر این شورا برگزیدند. در این حزب، علما و روحانیون نقش بسیار برجسته‌ای داشتند و بسیاری از کارهای مهم شورا بر عهده علما گذاشته شده بود.^۴

حرکت اسلامی: استاد سید هادی خسروشاهی درباره شکل‌گیری این حزب چنین می‌نگارد: «گروهی از علمای افغانستان در قم پس از صحبت‌های زیاد به این توافق رسیدند که از شیخ آصف محسنی که در سوریه به سر می‌برد، دعوت کنند تا برای تنظیم امور جهاد به قم بیاید. وی پس از تلگرام علما، دمشق را به قصد قم ترک کرد و در ۱۳۵۸/۱/۱۹ تشکیلات حرکت اسلامی را تأسیس و اعلام موجودیت نمود و در اولین گام، طی اطلاعیه‌ای خواستار تشدید مبارزه مسلحانه (علیه نیروهای کمونیستی) شد».^۵

سازمان نصر: این گروه از گروه‌هایی نظیر «مستضعفین» و «روحانیت نوین» که

۱. بختیاری، محمد عزیز؛ **شیعیان افغانستان**، قم: مؤسسه شیعه‌شناسی، ۱۳۸۵، ص ۲۰۰.

۲. افراد متنفع و زمین‌دار و رؤسای قبایل.

۳. اسپوزیتو، جان. **انقلاب اسلامی و بازتاب جهانی آن**، ترجمه دکتر محسن مدیر شانه‌چی، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران، ۱۳۸۲، ص ۲۰۱.

۴. مصاحبه با فکوری بهشتی، نماینده مردم بامیان در پارلمان و فرزند آیت‌الله بهشتی رهبر شورای اتفاق، ۱۳۹۱/۴/۲۶، کابل.

۵. خسروشاهی، سید احمد؛ **نهضت‌های اسلامی افغانستان**، تهران: دفتر مطالعات سیاسی وزارت امور خارجه ایران، ۱۳۷۰، ص ۳۵.

بیشتر، از دانش‌آموختگان حوزه‌های علمیه بودند، در فروردین‌ماه ۱۳۵۸ به وجود آمد. رهبران این سازمان در تشکیل حزب وحدت و اداره آن سهم بسزایی داشتند.^۱

پاسداران جهاد اسلامی افغانستان: پاسداران جهاد اسلامی افغانستان در سال ۱۳۵۹ ش پایه‌گذاری شد. اسپوزیتو در باره شکل‌گیری پاسداران جهاد نیز معتقد است: این حزب حدود سال ۱۹۸۲ با نظارت مستقیم جمهوری اسلامی ایران و به عنوان تلاشی برای غلبه بر دسته‌بندی‌های سیاسی و وحدت سیاسی شیعیان افغان از طریق گرد آوردن همه احزاب در چارچوب جنبشی واحد شکل گرفت.^۲

حزب وحدت اسلامی افغانستان: این حزب از ادغام هشت گروه بزرگ و کوچک جهادی شیعه در یکدیگر در تاریخ ۱۳۶۸/۴/۲۵ (۱۶ جولای ۱۹۸۹) در مرکز بامیان شکل گرفته و جانشین «شورای ائتلاف اسلامی افغانستان» گردید. در ابتدا ریاست شورای مرکزی حزب وحدت، به مدت یک سال، بر عهده آقای محمد اکبری قرار داشت و در نخستین کنگره این حزب در سال ۱۳۶۹ (۱۹۹۰) آقای عبدالعلی مزاری به ریاست آن برگزیده شد که تا پایان، در این مقام باقی ماند. حزب وحدت پس از شکل‌گیری، به عنوان یک حزب قدرتمند وارد صحنه سیاسی گردید و در دوره اول حکومت مجاهدین شرکت جست.^۳

آقای روا نسبت به وابستگی و ارتباط احزاب سیاسی شیعی افغانی با امام خمینی (ره)، گروه‌های «حرکت اسلامی»، «سازمان نصر»، «پاسداران جهاد»، «سازمان نیرو»، «حزب‌الله»، «دعوت» و «جبهه متحد» را احزاب «خمینی‌گرا» می‌داند. البته او در وابستگی هر یک به امام (ره)، شدت و ضعف قائل است.^۴

۱. بختیاری، محمد عزیز؛ شیعیان افغانستان، قم: مؤسسه شیعه‌شناسی، ۱۳۸۵، ص ۲۰۵.

۲. اسپوزیتو، جان. ال؛ انقلاب اسلامی و بازتاب جهانی آن، ترجمه دکتر محسن مدیر شانه‌چی، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران، ۱۳۸۲، ص ۲۰۴.

۳. خسروشاهی، سید احمد؛ نهضت‌های اسلامی افغانستان، تهران: دفتر مطالعات سیاسی وزارت امور خارجه ایران، ۱۳۷۰، ص ۲۵۱.

۴. اسپوزیتو، جان. ال؛ انقلاب اسلامی و بازتاب جهانی آن، ترجمه دکتر محسن مدیر شانه‌چی، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران، ۱۳۸۲، ص ۲۰۱.

پرداختن به احزاب و شناسایی آنها کار این تحقیق نیست. تنها مطلبی که باید به آن توجه شود، این است که شکل‌گیری احزاب سیاسی، یکی از شاخص‌های بیداری سیاسی به حساب می‌آید، و از سوی دیگر، این احزاب سیاسی نخست اینکه از مراکز دینی قم شکل گرفته‌اند و دیگر اینکه ریاست و اعضای قریب به اتفاق این احزاب، از دانش‌آموختگان حوزه‌های علمیه و به خصوص حوزه‌ی علمیه‌ی قم هستند. برخی از این احزاب در پیوست شماره ۳ آمده است.

۲-۶-۷. گسترش اسلام سیاسی

اسلام سیاسی از نظر پژوهشگران تعریف‌های گوناگونی دارد و این تعریف‌ها بر اساس فرضیه‌ها و نیز جهت‌گیری فکری و سیاسی آنها متفاوت است. آغاز نهضت اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) در ایران، پیروزی این نهضت در سال ۱۳۵۷، و تأسیس نظام جمهوری اسلامی در ایران، به لحاظ نظری و عملی، الگویی برای اسلام سیاسی و جنبش‌های اسلامی در جهان اسلام شد.^۱

اسلام سیاسی، از طریق دانش‌آموختگان حوزه‌ی علمیه‌ی قم در میان شیعیان افغانستان راه یافت و از اندیشه امام خمینی (ره)، به عنوان «مجدد اسلام سیاسی» بهره برده است. انقلاب اسلامی، اسلام سیاسی را در بسیاری از کشورهای اسلامی، به خصوص شیعه‌نشین، به وجود آورد و شیعیان در این کشورها به طور فزاینده‌ای سیاسی شدند. این انقلاب بسیاری از آنها را که اساساً غیرسیاسی بودند، در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ به گونه‌ای فزاینده سیاسی ساخت.^۲ بنابراین، پیام سیاسی حوزه‌ی علمیه‌ی قم در افغانستان در دوره اشغال افغانستان توسط شوروی سابق، در قالب دفع تجاوز خارجی و فراهم سازی روند همبستگی سیاسی نفوذ کرد؛ اما اسلام سیاسی در افغانستان، به

۱. خواجه‌سروی، غلامرضا؛ **بیداری اسلامی در گستره جهانی (درآمدی تحلیلی بر اسلام سیاسی)**، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۰، ص ۱۵.

۲. اسپوزیتو، جان. ال؛ **انقلاب اسلامی و بازتاب جهانی آن**، ترجمه دکتر محسن مدیر شانه‌چی، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران، ۱۳۸۲، ص ۲۱.

ناچار و به دلیل موانع پخش، یعنی بافت مذهبی افغانستان و نفوذ وهابیت، در شکل افراطی طالبان جلوه‌گر شد.^۱

۲-۶-۸. مشارکت سیاسی حداکثری شیعیان

شیعیان افغانستان در گذشته به دلایل مختلف، از حضور و مشارکت سیاسی دور نگه داشته شده بودند و در دوره‌هایی به طور کامل، از صحنه‌های سیاسی حذف شدند که اوج آن در زمان حکومت عبدالرحمن بود. عالمان دینی و طلاب مراکز دینی نجف، به ویژه حوزه‌ی علمیه‌ی قم، این دوری از صحنه‌های سیاسی شیعیان را تا حدی جبران کردند و مردم را برای مشارکت سیاسی حداکثری تشویق و ترغیب نمودند. در این اواخر و در دوره پساتالبانی، دانش‌آموختگان مراکز دینی قم، بیشتر به سمت مشارکت سیاسی حداکثری تعاملی (در مقابل تقابلی)، گرایش پیدا کردند.

یکی از مسائل اختلافی کشور، مسئله سرشماری نفوس و جمعیت کشور است. از چندین دهه اخیر بدین سو، سرشماری دقیق و قابل اعتماد نفوس در کشور، از طریق منابع رسمی داخلی و مؤسسات جهانی صورت نگرفته است که بر آن تکیه شود. از طرف دیگر، افغانستان سرزمین و کشور اقلیت‌های قومی است. یکی از آمارها، آمار سازمان ملل است که مورد قبول نسبی اقوام قرار گرفته است و مبنای مشارکت اقوام در کنفرانس «بن» بوده است. به موجب این آمار، پشتون‌ها ۳۳ درصد، تاجیک‌ها ۲۴ درصد، هزاره‌ها ۲۰ درصد، ازبک‌ها ۸ درصد و بقیه اقوام ۱۳ درصد محاسبه شده‌اند. گرچه در افغانستان امروز، سهم شیعیان کمتر از آن چیز است که در کنفرانس «بن» تصویب شده بود؛ ولی مشارکت شیعیان به سبب حضور طلاب حوزه‌های علمیه، بیشتر از هر دوره دیگر است.^۲

۲-۶-۹. ترویج و شیوع ایده مبارزه با اسرائیل

روز جهانی قدس، روز فریاد انسان‌های آزاداندیش و آزادی خواه علیه استکبار

۱. اطلاعات بیشتر: کاظمی، سید آصف؛ بررسی زمینه‌های سیاسی - اجتماعی شکل‌گیری طالبان در پاکستان،

فصلنامه علمی تخصصی سخن تاریخ، بهار ۱۳۸۹، سال چهارم، ش ۸، ص ۱۱۶-۱۶۵.

۲. پیوست شماره ۳ و ۴.

جهانی و رژیم اشغالگر قدس، یعنی رژیم صهیونیستی است. این روز را حضرت امام(ره)، به جهانیان معرفی نمود. در این روز میلیون‌ها انسان به دعوت حضرت امام(ره) لبیک می‌گویند. مردم متدین افغانستان نیز هم‌صدا با سایر ملت‌های جهان، با تأسی به فرمان معمار کبیر انقلاب، ندای مظلومیت ملت مسلمان فلسطین را سر داده و روز جهانی قدس را گرامی می‌دارند.

برای نمونه، راهپیمایی روز قدس امسال در شهرهای افغانستان، باشکوه تمام برگزار شد؛ از جمله، تظاهرکنندگان افغانی در شهر مزار شریف، با حمل پلاکاردهایی که بر روی آنها شعارهایی علیه رژیم صهیونیستی و حامیان استکباری اش درج شده بود، به سمت صحن و مسجد جامع زیارتگاه منتسب به امام علی (علیه‌السلام) و محل تجمع راهپیمایان روز قدس حرکت کردند. در این مراسم که با شرکت گسترده تمامی اقشار مردم، به خصوص علمای دینی، فرهنگیان، اساتید دانشگاه و طلاب دینی همراه بود، سخنرانان در رابطه با اهمیت و جایگاه روز قدس و حضور مسلمانان در صحنه، برای دفاع از حقوق ملت مظلوم فلسطین و سایر ملت‌های ستم‌دیده سخن گفتند. در این مراسم، عطا محمد نور استاندار بلخ، با صدور پیامی که توسط محمد ظاهر وحدت معاون وی قرائت شد، ضمن گرامی‌داشت روز جهانی قدس و ابراز انزجار و تنفر از رژیم غاصب صهیونیستی، تمامی مسلمانان را به دفاع از حقوق به حق ملت فلسطین و تمامی ستم‌دیدگان جهان دعوت کرد. در این مراسم حجت‌الاسلام والمسلمین جعفری رئیس علمای تشیع ولایت بلخ، نام‌گذاری آخرین جمعه ماه مبارک رمضان، به نام روز جهانی قدس را از یادگارهای به‌جامانده از حضرت امام خمینی (ره) در پاسداری از قدس شریف و ملت مظلوم فلسطین عنوان کرد.^۱

سرانجام با پایداری و اصرار مسلمانان بر پیشنهاد الهی - سیاسی حضرت امام (ره)، آخرین جمعه ماه مبارک رمضان، به عنوان روز جهانی قدس به صورت رسمی (حد اقل) در بین کشورهای اسلامی در آمد. در سازمان همکاری‌های اسلامی در اجلاسی که

۱. خبرگزاری فارس، ۱۲ مرداد ۱۳۹۲.

تحت عنوان «تکنولوژی‌های اطلاعاتی در خدمت صلح و پیشرفت» در شهر لیبرویل جمهوری گابن در ۳۰ و ۳۱ اردیبهشت سال گذشته برگزار شده بود، ۵۰ کشور عضو این سازمان که وزیر اطلاعات و فرهنگ افغانستان نیز در میان آنها حضور داشت، تصمیم گرفتند آخرین جمعه ماه مبارک رمضان را به عنوان روز جهانی قدس به رسمیت بشناسند. بدین ترتیب، وزرای اطلاعات و فرهنگ کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی در اجلاس گابن، طی قطعنامه‌ای ۲۰ ماده‌ای، آخرین جمعه ماه مبارک رمضان را به عنوان روز جهانی قدس به رسمیت شناختند.^۱

البته معرفت سیاسی جامعه افغانستان که متأثر از حوزه‌ی علمیه‌ی قم بوده، محدود به مطالب یاد شده نیست؛ بلکه می‌توان برخی دیگر از موضوعات و ایده‌های پخش، مانند استبداد ستیزی، حرکات سیاسی در مساجد، تغییر محتوای سخنان سخنرانان مذهبی، اعتماد به نفس سیاسی، استفاده از نمادها و شعارهای سیاسی حوزوی، تلاش برای وحدت اسلامی مسلمانان، ایده ایجاد جامعه و دولت اسلامی، و ... را نیز به آنها افزود.

۲-۷. موانع پخش

موانع مختلف مانند زمان، مسافت، زبان، مذهب و موانع دیگر، موجب توقف یا کند شدن روند پخش نوآوری می‌شوند و پیشرفت‌های بعدی را متوقف می‌سازند. در بحث تأثیر حوزه‌ی علمیه‌ی قم بر معرفت سیاسی افغانستان، برخی از موانع عبارتند از:

۲-۷-۱. مذهب

همان گونه که هم مذهب بودن، عامل اشاعه دهنده و عامل شتاب‌دهنده پخش ایده‌هاست، اختلاف مذهب نیز در بسیاری از موارد، به عنوان مانع به حساب می‌آید. در افغانستان آمار دقیقی از جمعیت و مذاهب وجود ندارد. حدود ۶۵ تا ۷۰ درصد جمعیت افغانستان را برادران اهل سنت تشکیل می‌دهند که از این جهت، به مانع پخش برای امواج حوزه‌ی علمیه تبدیل شده است. شکاف شیعه و سنی در تاریخ معاصر

افغانستان، با نام عبدالرحمان در تاریخ ثبت شده است. وی یکی از متعصب‌ترین افراد بود. او عبدالقدوس خان را مأمور سرکوبی شیعیان مناطق مرکزی نمود و علمای حنفی مذهب را وادار نمود که علیه شیعیان اعلان جهاد دهند و عده زیادی از رؤسا و بزرگان شیعه را به کابل آورد و سر برید. این اقدامات علیه شیعیان به قدری شدید بود که در سایر بلاد اسلامی انعکاس یافت و علمای شیعه در نجف، به خصوص میرزای شیرازی، به شدت نسبت به آن اعتراض نمودند.^۱

در دوران انقلاب و جهاد نیز این شکاف به نحوی آشکار شد. برای نمونه، بعد از خروج شوروی از افغانستان، حکمتیار در باره حضور شیعیان گفت: در حکومتی که رافضی‌ها شرکت داشته باشند، آن حکومت شرعی نیست. یکی از چهره‌های سیاسی-مذهبی وهابی‌منش که از دولت موقت مجاهدین بیرون رفت، دلیل خود را چنین بیان کرد: «ما بدین جهت در دولت موقت شرکت نکردیم که پاکستان و احزاب هفت‌گانه اصرار داشتند که شیعیان را نیز شرکت دهند و دولتی که در آن رافضی‌ها باشند، اسلامی نیست».^۲

۲-۷-۲. تلاش سعودی‌ها برای ایجاد یک حکومت سلفی افراطی

عربستان سعودی یکی از اصلی‌ترین بانیان و حامیان گروه‌های سلفی در جهان اسلام، به ویژه طالبان در افغانستان، به شمار می‌رود؛ به گونه‌ای که حمایت‌های سعودی‌ها از گروه‌های افراطی و تروریستی، یکی از سیاست‌های ثابت این پادشاهی سلفی است. ناظران بر این باورند که طبقه حاکم سعودی با پرداخت پول به گروه‌های تروریستی، تلاش کرده است تا فعالیت آنها را در داخل عربستان کاهش داده و به خارج از آن کشور منتقل کند. نام ترکی الفیصل در فهرست مؤسسان جریان طالبان مطرح است. او پیش از انتصاب به سفارت عربستان در آمریکا، ریاست سازمان مهم

۱. فرخ، سید مهدی؛ **تاریخ سیاسی افغانستان**، قم: احسانی، ۱۳۷۱، ص ۴۰۴-۴۰۵.

۲. خسروشاهی، سید احمد؛ **نهضت‌های اسلامی افغانستان**، تهران: دفتر مطالعات سیاسی وزارت امور خارجه ایران، ۱۳۷۰، ص ۱۹۱-۱۹۲.

اطلاعات عربستان را بر عهده داشته و از این طریق، شبکه‌های وهابیت و طالبان را در نقاط مختلف تغذیه و سازماندهی می‌کرد. یک گزارش محرمانه آلمانی، شرح مفصلی درباره ده‌ها میلیون دلار انتقال بانکی، با تاریخ و میزان دلارها ارائه کرده و مدعی است که این مبالغ در اوایل دهه ۱۹۹۰ توسط شاهزاده سلمان بن عبدالعزیز و سایر اعضای خاندان سعودی، به یک مرکز حمایت از فعالیت‌های شبه نظامیان در بالکان و پاکستان داده شده است.^۱

در زمان تجاوز شوروی به افغانستان، کشورهای خلیج فارس به ویژه عربستان، مدارس دینی بسیاری را در پاکستان، نزدیک مرز افغانستان ایجاد کردند و این مدارس تحت اشراف دو حزب پاکستانی، یعنی «جماعت اسلامی» به ریاست قاری حسین احمد و «جماعه العلمای اسلامی» به ریاست مولانا فضل الرحمن قرار داشت. این دو حزب، تحت تأثیر افکار وهابیت سعودی قرار داشت.^۲ آقای هالیدی نیز عقیده دارد که طالبان از بقایای گروه‌های قبلی مجاهدین با کمک پاکستان و امداد عربستان سعودی قد بلند کرد.^۳

۲-۷-۳. دامن زدن به مباحث قومی و نژادی

موانع پخش همیشه بیرونی نیست و گاهی می‌تواند درونی نیز باشد. در بحث ما، بخشی از موانع را می‌توانند مجاری و عوامل پخش به وجود آورده باشند؛ مانند دامن زدن برخی از عوامل پخش به مسائل قومی، نژادی و مذهبی در افغانستان. بنابراین، بخشی از موانع پخش، اختلافات و موانع همگرایی در میان خود شیعیان است. نمونه بارز این نوع تفرقه که دارای تأثیرات منفی پر دامنه‌ای است، چالش بین «سادات» و «هزاره» و به معنای دقیق‌تر، شیعیان هزاره و غیر هزاره^۴ است. چنین گرایش‌های

۱. کاظمی، سید آصف؛ بررسی زمینه‌های سیاسی- اجتماعی شکل‌گیری طالبان در پاکستان، فصلنامه علمی

تخصصی سخن تاریخ، بهار ۱۳۸۹، سال چهارم، ش ۸ ص ۱۴۷.

۲. حقی، احسان؛ افغانستان نشأتها و کفاحها، دمشق: انتشارات دارالفکر، ۲۰۰۴ ص ۱۴۹.

۳. طنین، ظاهر؛ افغانستان در قرن بیستم، تهران: عرفان، ۱۳۸۴ ص ۴۱۱.

۴. مانند سایر اقلیت‌های قومی شیعی (شیعیان پشتون، تاجیک، قزلباش و ...).

خطرناکی، به همگرایی بر محور مذهب، آسیب جدی می‌رساند. متأسفانه، بر خلاف آموزه‌های دینی و معارف شیعی، مشی سیاسی بسیاری از نخبگان و رهبران ما و تعاملات اجتماعی شهروندان عادی جامعه شیعه، متأثر از این نوع گرایش‌های اهریمنی است. شکاف قومی، به مسائل مذهبی نیز سرایت نمود و یکی از پیامدهای ملموس تداوم شکاف سیاسی و حتی نژادی و قومی در میان شیعیان، تشکیل یک جریان صنفی حوزوی، به موازات تشکیلات «شورای علمای شیعه افغانستان» است و در نتیجه، شعبه دیگری تحت عنوان «شورای علماء مرکز و ولایات افغانستان» به وجود آمد.^۱ تقابل با نظام‌های سیاسی^۲ و جنگ‌های داخلی و پیامدهای آن، از دیگر موانع پخش به حساب می‌آیند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی

۱. نشریه شورای علمای مرکز و ولایات افغانستان، نمایندگی خارج، قم، مصاحبه با آیت‌الله صادقی پروانی، فصلنامه بیان، بهار ۱۳۸۶، ش دوم و سوم، ص ۱۶۱.
۲. احمدی، حمید؛ سیر تحول جنبش‌های اسلامی: از نهضت سلفیه سید جمال تا بهار عربی (۲۰۱۱-۱۸۷۰)، چ اول، تهران: دانشگاه امام صادق(ع)، ۱۳۹۰، ص ۲۳۴؛ خسروشاهی، سید احمد؛ نهضت‌های اسلامی افغانستان، تهران: دفتر مطالعات سیاسی وزارت امور خارجه ایران، ۱۳۷۰، ص ۲۰۴.

نتیجه گیری

نظریه‌ی پخش، قابلیت تفسیری بالقوه خوبی برای تبیین پخش امواج و ایده‌های حوزه‌ی علمیه در جهان اسلام دارد. برخی از محورهای گوناگون تطبیق «نظریه بر مُورد» در این بررسی نشان داده شد. حوزه‌ی علمیه‌ی قم و دانش‌آموختگان آن، نقش اصلی در بیداری سیاسی شیعیان افغانستان داشتند. نقش این حوزه در معرفت سیاسی مورد مطالعه قرار گرفت که تلاش برای احقاق حقوق سیاسی شیعیان، آغازگری بیداری سیاسی، مطرح شدن روحانیت در رفتار سیاسی، تلاش برای وحدت سیاسی، ارتقای جایگاه سیاسی - اجتماعی شیعیان افغانستان و شکل‌گیری احزاب و تشکل‌های سیاسی، از نمودهای معرفت سیاسی در افغانستان بود. این موفقیت‌ها در حالی بود که شیعیان بیش از یک سده، فضای تاریک سیاسی استبدادی را تجربه کردند و بعد از قتل‌عام و دور نگه داشته شدن از صحنه‌های سیاسی و اجتماعی، به کمک این حوزه و نهادهای آن، دوباره به صحنه سیاسی بازگشتند که طبعاً گرفتار برخی آسیب‌های درونی نیز گردیدند.

منابع

۱. احمدی، حمید؛ سیر تحول جنبش‌های اسلامی: از نهضت سلفیه سید جمال تا بهار عربی (۲۰۱۱-۱۸۷۰)، چ اول، تهران: دانشگاه امام صادق(ع)، ۱۳۹۰.
۲. اسپوزیتو، جان. ال: انقلاب اسلامی و بازتاب جهانی آن، ترجمه دکتر محسن مدیر شانه‌چی، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران، ۱۳۸۲.
۳. امام خمینی، سید روح‌الله؛ تفسیر سوره حمد، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۵.
۴. امرایی، حمزه؛ انقلاب اسلامی ایران و جنبش‌های اسلامی معاصر، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳.
۵. بختیاری، محمد عزیز؛ شیعیان افغانستان، قم: مؤسسه شیعه‌شناسی، ۱۳۸۵.
۶. برزگر، ابراهیم؛ نظریه‌های بازتاب جهانی انقلاب اسلامی ایران، تهران: دانشگاه امام صادق(ع)، ۱۳۹۱.
۷. برهانی، محمدجواد؛ نقش اسلام در دگرگونی اجتماعی با تأکید بر افغانستان معاصر، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۸.
۸. پانوف، میشل و میشل پرون؛ فرهنگ مردم‌شناسی، ترجمه اصغر عسکری، تهران: نشر ویس، ۱۳۶۸.
۹. جردن، تری و لستر راوتتری؛ مقدمه‌ای بر جغرافیای فرهنگی، ترجمه سیمین تولاتی و محمد سلیمانی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و ارتباطات، ۱۳۸۰.
۱۰. جعفری، محمدتقی؛ حکمت اصول سیاسی اسلام، تهران: نشر بنیاد نهج‌البلاغه، ۱۳۶۹.
۱۱. حسن‌زاده، علی؛ آشنایی با تاریخ حوزه‌های علمیه شیعیان افغانستان، قم: دارالتفسیر، ۱۳۹۰.
۱۲. حقی، احسان؛ افغانستان نشأت‌ها و کفاحها، دمشق: انتشارات دارالفکر، ۲۰۰۴.
۱۳. خسروشاهی، سید احمد؛ نهضت‌های اسلامی افغانستان، تهران: دفتر مطالعات سیاسی وزارت امور خارجه ایران، ۱۳۷۰.
۱۴. خواجه‌سروی، غلامرضا؛ بیداری اسلامی در گستره جهانی (درآمدی تحلیلی بر اسلام سیاسی)، تهران: دانشگاه امام صادق(ع)، ۱۳۹۰.
۱۵. رجا، محمد سرور؛ احیاگر شیعه در افغانستان، زندگی‌نامه حضرت آیت‌الله آقای حجت کابلی، قم: نشر افق فردا، ۱۳۸۲.
۱۶. رفیع پور، فرامرز؛ تضاد و توسعه، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۶.

۱۷. روا، البویه؛ **افغانستان از جهاد تا جنگ‌های داخلی**، ترجمه علی عالمی کرمانی، چ دوم، تهران: نشر عرفان، ۱۳۹۰.
۱۸. زرگری نژاد، غلامحسین؛ **تاریخ صدر اسلام**، تهران: سمت، ۱۳۷۸.
۱۹. سعیدیان، عبدالحسین؛ **دایره المعارف بزرگ نو**، تهران: نشر علم و زندگی، ۱۳۸۴.
۲۰. سیدکباری، سید علی‌رضا؛ **حوزه‌های علمیه شیعه در گستره جهان**، تهیه پژوهشکده باقرالعلوم (ع)، چ اول، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۸.
۲۱. شکوئی، حسین؛ **اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا**، تهران: گیتاشناسی، ۱۳۷۵.
۲۲. شکوئی، حسین؛ **جغرافیای کاربردی و مکتب‌های جغرافیایی**، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۴.
۲۳. شیرخانی، علی؛ زارع، عباس؛ **تحولات حوزه‌ی علمیه‌ی قم پس از پیروزی انقلاب اسلامی**، چ اول، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۴.
۲۴. صلیبا، جمیل؛ **فرهنگ فلسفی**، ترجمه منوچهر صانعی، تهران: مؤسسه انتشارات حکمت، ۱۳۸۱.
۲۵. طنین، ظاهر؛ **افغانستان در قرن بیستم**، تهران: عرفان، ۱۳۸۴.
۲۶. ظهیری نژاد، مهناز؛ **مناسبات امام با حرکت‌ها و مبارزان اسلامی**، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲.
۲۷. عالم، عبدالرحمن؛ **بنیادهای علم سیاست**، تهران: نشر نی، ۱۳۸۰.
۲۸. فراتی، عبدالوهاب؛ **انقلاب اسلامی و بازتاب آن**، انجمن معارف اسلام ایران، بی‌جا: زلال کوثر، ۱۳۸۱.
۲۹. فرارو، گری‌پی؛ **انسان‌شناسی فرهنگی: بعد فرهنگی تجارت جهانی**، ترجمه غلامعلی شاملو، تهران: سمت، ۱۳۷۹.
۳۰. فرخ، سید مهدی؛ **تاریخ سیاسی افغانستان**، قم: احسانی، ۱۳۷۱.
۳۱. کاظمی، سید آصف؛ **بررسی زمینه‌های سیاسی - اجتماعی شکل‌گیری طالبان در پاکستان**، فصلنامه علمی تخصصی سخن تاریخ، بهار ۱۳۸۹، سال چهارم، ش ۸.
۳۲. محامی، مصطفی؛ **ویژه‌نامه همایش «دین، فرهنگ و رسالت علمای افغانستان»**، قم: بی‌نا، ۱۳۹۰.

۳۳. موسوی، سید عسکر؛ **هزاره‌های افغانستان**، ترجمه اسدالله شقایب، تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی هنری نقش سیمرغ، ۱۳۷۹.
۳۴. نشریه شورای علمای مرکز و ولایات افغانستان، نمایندگی خارج، قم، **مصاحبه با آیت‌الله صادقی پروانی**، فصلنامه بیان، بهار ۱۳۸۶، ش دوم و سوم.

مصاحبه نگارنده با افراد و شخصیت‌های افغانی

۱. **مصاحبه با فکوری بهشتی**، نماینده مردم بامیان در پارلمان و فرزند آیت‌الله بهشتی رهبر شورای اتفاق، ۱۳۹۱/۴/۲۶، کابل.
۲. **مصاحبه با حجت‌الاسلام والمسلمین احسانی**، فرزند آیت‌الله رئیس یکاولنگی و مسئول مدرسه علمیه محمدیه یکاولنگ ولایت بامیان، ۱۳۹۱/۵/۳۱، یکاولنگ بامیان.
۳. **مصاحبه با حجت‌الاسلام سید محمدحسین رضوانی بامیانی**، عضو شورای علمای شیعه، رئیس دفتر نمایندگی حضرت آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی در کابل و رئیس کمیسیون فرهنگی شورای علمای، ۱۳۹۱/۶/۴، کابل.
۴. **مصاحبه با دکتر وحید بینش**، رئیس گروه علوم سیاسی و عضو هیأت علمی مؤسسه تحصیلات عالی خاتم‌النبین، ۱۳۹۱/۶/۷، کابل.
۵. **مصاحبه با حضرت آیت‌الله آصف محسنی**، رئیس شورای علمای شیعه و از رهبران شیعه و جهادی افغانستان، ۱۳۹۱/۶/۸، کابل.
۶. **مصاحبه با حجت‌الاسلام والمسلمین عالمی بلخی سید حسین عالمی بلخی**، عضو شورای مدیریت حوزه‌های علمیه و نماینده پارلمان در تاریخ ۱۳۹۱/۶/۹ کابل.
۷. **مصاحبه با حجت‌الاسلام والمسلمین محمد اکبری**، رئیس حزب وحدت ملی اسلامی افغانستان، نماینده مردم بامیان در پارلمان و عضو شورای علمای شیعه، ۱۳۹۱/۶/۱۰، کابل.

سایت‌ها:

۱. www.Avapress.com: خبرگزاری آوا
۲. www.oic-oci.org: سازمان همکاری‌های اسلامی
۳. www.om.nl: سایت مبارزه با جرایم جنگی وزارت دادگستری هلند
۴. www.farsnews.ir: خبرگزاری فارس

پیوست‌ها

پیوست شماره ۱: حوزه‌های علمیه شیعیان افغانستان (حسن زاده، ۱۳۹۰، ۴۳۰-۴۳۱)

ردیف	ولایت	فعال	غیرفعال	مجموع
۱	ارزگان	۴	۴	۸
۲	بامیان	۴۵	۷	۵۲
۳	بدخشان	۱	۰	۱
۴	بغلان	۲	۲	۴
۵	بلخ	۱۸	۱۱	۲۹
۶	پروان	۲	۳	۵
۷	جوزجان	۲	۰	۲
۸	دایکندی	۳۲	۸	۴۰
۹	زابل	۱	۰	۱
۱۰	سرپل	۱۸	۷	۲۵
۱۱	سمنگان	۱۳	۷	۲۰
۱۲	غزنی	۴۶	۶	۵۲
۱۳	غور	۱۰	۳	۱۳
۱۴	قندوز	۱	۱	۲
۱۵	قندهار	۲	۰	۲
۱۶	کابل	۲۰	۳	۲۳
۱۷	میدان	۳۵	۹	۴۴
۱۸	نیمروز	۱	۰	۱
۱۹	هرات	۱۱	۱	۱۲
	کل مدارس	۳۳۶	مدارس فعال	۲۶۳
	مدارس غیر فعال	۷۳	*	*

پیوست شماره ۲: مکان و زمان شکل‌گیری احزاب و تشکل‌های سیاسی شیعیان افغانستان (موسوی، ۱۳۷۹: ۳۱۲-۳۱۳)

ردیف	نام حزب و جریان سیاسی	سال تأسیس	ردیف	نام حزب و جریان سیاسی	سال و محل تأسیس
۱	سازمان مجاهدین مستضعفین	۱۳۵۸	۱۱	اسلام مکتب توحید	۱۳۵۸ قم
۲	فدائیان امت مسلمان	۱۳۵۹	۱۲	پاسداران جهاد	۱۳۵۸ قم
۳	جنبش اسلامی	۱۳۵۹	۱۳	نهضت اسلامی افغانستان	۱۳۵۸ قم
۴	جنبش اسلامی مستضعفین	۱۳۵۸	۱۴	سازمان نصر	۱۳۵۸ قم
۵	جنبش مسلمانان مبارز	۱۳۵۸	۱۵	روحانیت مبارز	۱۳۵۹ قم
۶	فدائیان اسلام	۱۳۵۹	۱۶	حرکت اسلامی افغانستان	۱۳۵۸ قم
۷	گروه وحدت اسلامی	۱۳۵۸	۱۷	حزب اتحاد انقلاب اسلامی	۱۳۵۸ قم
۸	نهضت روحانیت و جوان	۱۳۵۸	۱۸	حزب دعوت اسلامی	۱۳۵۸ قم
۹	نیروی اسلامی	۱۳۵۸	۱۹	حزب رعد	۱۳۵۸ مشهد
۱۰	نیروی انقلاب اسلامی	۱۳۵۹			تهران

پیوست شماره ۳: احزاب و تشکل‌های سیاسی شیعیان افغانستان

نظریه‌پردازان و تأثیر فزونی علمیه بر معرفت‌سای افغانستان

شماره	نام نهاد	نام رهبر و اعضای برجسته	نوع تحصیلات
۱	حزب ارشاد (۱۳۳۴-۲۵) (ش)	علامه شهید سید اسماعیل بلخی (رهبر)، سید علی گوهر غوربندی، سید سرور لولنجی، خواجه محمد نعیم، محمد اسلم غزنوی، عبداللطیف سرباز چنداولی، سید سکندر مظفری (چنداولی)، دکتر اسدالله رئوفی، محمد ابراهیم گاوسوار (شهرستانی)، عبدالغیاث کندک مشر، خدای نظر مزاری، محمد حیدر کندک مشر، محمد حسن لوامشر.	اکثراً حوزوی
۲	حزب وطن ۱۹۵۰	سرور جویا (رهبر)، میر غلام محمد غبار، براتعلی تاج، عبدالحی عزیز، دکتر محمد ابوبکر، دکتر عبدالقیوم رسول، فتح محمد خان، علی احمد نعیمی، علی محمد خروش، عبدالحکیم عاطفی، سلطان احمد لوی ناب، دکتر محمد فاروق اعتمادی، میر محمد صدیق فرهنگ.	دانشگاهی و حوزوی
۳	حزب توحید و حزب رسالت	سید سرور واعظ، شیخ محمدامین افشار، شیخ محمد علی، سید علی احمد عالم، سید عبدالمجید ناصر، مصباح سنگلاخ، سید میر حسین رضوانی، شیخ سلطان، شیخ زین العابدین، محمد اسماعیل مبلّغ، سید ابراهیم عالمشاهی، محمد یوسف بینش، محمدحسین نهضت، سید میرزا شاه فضیلت، علی آقا (پسر بلخی).	اکثراً حوزوی
۴	سازمان نصر افغانستان ۱۳۵۸	عبدالعلی مزاری، کریم خلیلی، قربانعلی عرفانی، میر حسین صادقی، عزیزالله شفق، شهید امین‌الله امینی (شیخ‌میران)، سید عباس حکیمی، سید حسین حسینی، خادم حسین ناطقی، یوسف واعظی، محمد ناطقی و ...	حوزوی
۵	پاسداران جهاد اسلامی ش ۱۳۵۸	آیت‌الله قربانعلی محقق (کابلی)، شهید محمدحسین صادقی نیلی، محمد اکبری، ضامن علی محقق، علیجان زاهدی، محمدعلی فصیحی، مرحوم حسین داد امینی، نور احمد تقدسی و ...	حوزوی

۶	شورای انقلاب اتفاق اسلامی افغانستان ۱۳۵۸	مرحوم آیت‌الله سید علی بهشتی (رهبر)، شهید محمدحسین صادقی نیلی، محمد حکیم صمدی، محمدحسین ناصری، عبدالصمد اکبری، سید حسن جگرن، سید احمد احسانی، سید جواد عارفی، محمدحسین دانش.	حوزوی
۷	حرکت اسلامی افغانستان ۱۳۵۸	آیت‌الله محمد آصف محسنی (رهبر)، سید محمدعلی جاوید، سید حسین انوری، سید عبدالقیوم سجادی و دکتر صادق مدبر، هادی و ...	حوزوی
۸	جبهه متحد	سید مصباح، شیخ باقر سلطانی، سید حسین عالمی بلخی، محمدی و ...	حوزوی
۹	نهضت اسلامی افغانستان	علی افتخاری، یوسف زکی، سید صفدر احسانی، محمد اسحاق اخلاقی، اخلاقی دامرده، علی رحیمی، عبدالله فخر و ...	حوزوی
۱۰	سازمان نیروی اسلامی	سید ظاهر محقق، سید میر حسین فصیحی، سید محمد سنگچارکی، شیخ عوضعلی نبی زاده و ...	حوزوی
۱۱	کانون مهاجر	سید عسکر موسوی، قاسم علی رحمانی، سید حمدالله جعفری، سید حسین موحد بلخی، رنجبر.	حوزوی و غیر حوزوی
۱۲	حزب دعوت	شیخ حسین (شیخ زاده)، رمضان علی محقق افشار، نور احمد تقدسی و ...	حوزوی
۱۳	حزب رعد	سید روح‌الله بلخابی، سید حجت فاضلی، محقق سرپلی، سید جعفر فاضلی، غلام سخی مصباح، براتعلی جبرئیلی، وثوق شیخ زاده غزنوی، سعادتملوک تابش، عبدالحق شفق.	حوزوی و غیر حوزوی
۱۴	دعوت اتحاد اسلامی ۱۳۶۵	امین وحیدی، شیخ زاده، رمضانعلی محقق افشار، عبدالله جعفری و ...	حوزوی
۱۵	فلاح اسلامی	صمدی، محمد ابراهیم بابه، محمدحسین ستیز، اسکندر قیام و ...	حوزوی و غیر حوزوی
۱۶	طلوع حق	شیخ زاده، رمضانعلی محقق افشار، امین وحیدی و ...	حوزوی

<p>حوزوی</p>	<p>عبدالعلی مزاری، شهید محمد حسین صادقی، محمد کریم خلیلی، محمد اکبری، حسین داد امینی، افکاری، قربانعلی عرفانی، واعظی، شهید مصطفی کاظمی، محمد محقق، شفق سرپلی، شفق بهسودی و... . حزب وحدت در ابتدا به دو دسته حزب وحدت اکبری و حزب وحدت مزاری تقسیم شد و در این اواخر حزب وحدت اسلامی افغانستان به پنج شاخه تقسیم شده است که عبارتند از: «حزب وحدت اسلامی افغانستان»، محمد کریم خلیلی؛ «حزب وحدت اسلامی مردم افغانستان» محمد محقق؛ «حزب وحدت ملی اسلامی افغانستان» محمد اکبری؛ «حزب وحدت اسلامی ملت افغانستان»، قربانعلی عرفانی؛ «حزب اقتدار ملی»، سید مصطفی کاظمی.</p>	<p>حزب وحدت اسلامی افغانستان</p>	<p>۱۷</p>
--------------	--	----------------------------------	-----------

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی

پیوست شماره ۴: نمایندگان شیعه در پارلمان، دور اول و دوم

نمایندگان دور دوم				نمایندگان دور اول			
شماره	نام و نام خانوادگی	استان	تحصیلات	شماره	نام و نام خانوادگی	استان	تحصیلات
۱	محمد اکبری	بامیان	حوزوی	۱	احمد رمضان زاده (اسماعیلی)	؟	
۲	سید جمال فکوری (بهشتی)	بامیان	حوزوی- دانشگاهی	۲	محمد اکبری	بامیان	حوزوی
۳	محمد سرور جوادی	بامیان	حوزوی	۳	سید جمال فکوری (بهشتی)	بامیان	حوزوی دانشگاهی
۴	خانم صفورا ایلخانی	بامیان		۴	عبدالرحمن شهیدانی	بامیان	
۵	محبت شاه کاشانی (اسماعیلیه)	بدخشان		۵	خانم صفورا ایلخانی	بامیان	
۶	سید منصوری نادری (اسماعیلیه)	بغلان		۶	سید جعفر نادری (اسماعیلیه)	بدخشان	
۷	سید محمدعلی جاوید	بلخ	حوزوی	۷	سید منصوری نادری (اسماعیلیه)	بغلان	
۸	محمدعبده	بلخ	حوزوی	۸	سید محمدعلی جاوید	بلخ	حوزوی
۹	سید ظاهر مسرور	بلخ	؟	۹	محمدعبده	بلخ	حوزوی
۱۰	نصرالله صادقی زاده	دایکندی	حوزوی	۱۰	عباس ابراهیم زاده	بلخ	
۱۱	محمدعلی ستیغ	دایکندی		۱۱	نصرالله صادقی زاده	دایکندی	حوزوی
۱۲	شیرین محسنی	دایکندی		۱۲	؟	دایکندی	
۱۳	محمد نور اکبری	دایکندی		۱۳	خانم شیرین محسنی	دایکندی	
۱۴	محمدحسین فهیمی	سرپل	حوزوی	۱۴	محمد نور اکبری	دایکندی	



۱۵	سلطانعلی سلطانی	سمنگان	؟	۱۵	محمدحسین فهیمی	سرپل	حوزوی
۱۶	سید عبد القیوم سجادی	غزنی	حوزوی	۱۶	سید محمد حسین شریفی	سمنگان	حوزوی
۱۷	خانم شاه گل رضایی	غزنی	حوزوی	۱۷	خانم خاوری	سمنگان	
۱۸	علی اکبر قاسمی	غزنی		۱۸	سیدعبد القیوم سجادی	غزنی	حوزوی - دانشگاهی
۱۹	خانم بی‌بی ظاهره احمدیارمولایی	غزنی		۱۹	خانم شاه گل رضایی	غزنی	حوزوی - دانشگاهی
۲۰	راحله کبری عالمشاهی	غزنی		۲۰	عرفانی	غزنی	حوزوی
۲۱	قربان کوهستانی	غور	؟	۲۱	شاه امان	غزنی	
۲۲	خانم رقیه نایل	غور		۲۲	عارف احسانی	غزنی	حوزوی
۲۳	خانم فریبا احمدی کارکر	قندهار	؟	۲۳	محمد علی اخلاقی	غزنی	حوزوی
۲۴	خانم شکیبا	قندهار		۲۴	چمن شاه	غزنی	حوزوی
۲۵	سید مصطفی کاظمی	کابل		۲۵	علی اکبر قاسمی	غزنی	
۲۶	محمد محقق	کابل	حوزوی	۲۶	خانم نفیسه عظیمی	غزنی	
۲۷	سید حسین عالمی بلخی	کابل	حوزوی	۲۷	هما سلطانی	غزنی	
۲۸	انجینر عباس	کابل	دانشگاهی	۲۸	خانم فریبا احمدی کارگر	قندهار	
۲۹	رمضان بشردوست	کابل	دانشگاهی	۲۹	خانم شکیبا هاشمی	قندهار	
۳۰	محمد ابراهیم قاسمی	کابل	؟	۳۰	خانم ربابه پروانی درویش	کابل	
۳۱	محمد اسماعیل صفدری	کابل	حوزوی	۳۱	کبری مصطفوی	کابل	حوزوی
۳۲	فاطمه نظری	کابل		۳۲	؟	کابل	
۳۳	محمدباقر شیخ زاده	کابل	حوزوی	۳۳	سید حسین انوری	کابل	؟

۳۴	میراحمد جوینده (اسماعیلیه)	کابل		۳۴	محمد محقق	کابل	حوزوی
۳۵	خانم شکیلا هاشمی	لوگر		۳۵	سید حسین عالمی بلخی	کابل	حوزوی
۳۶	اشرف رمضان	مزار شریف		۳۶	فاطمه نظری	کابل	
۳۷	عبدالرضا رضایی	میدان وردک		۳۷	رمضان بشردوست	کابل	دانشگاهی
۳۸	خانم صدیقه مبارز	میدان وردک		۳۸	محمد ابراهیم قاسمی	کابل	؟
۳۹	احمد حسین سنگردوست	میدان وردک		۳۹	سیدعلی کاظمی	کابل	
۴۰	احمد بهزاد	هرات		۴۰	فاطمه نظری	کابل	
۴۱	احمد علی جبرئیلی	هرات	حوزوی	۴۱	جعفر مهدوی	کابل	حوزوی
۴۲	شهناز همتی	هرات	حوزوی	۴۲	زهرا یآوری (اسماعیلیه)	کابل	
۴۳	شیخ نعمت‌الله غفاری	هلمند	حوزوی	۴۳	خانم شکیلا هاشمی	لوگر	
	خانم فریده	هرات		۴۴	احمدشاه رمضان	مزار شریف	
۴۹	احمد بهزاد	هرات		۴۵	خانم حمیده اکبری	میدان وردک	
۵۰	رضا وطندوست	هرات	؟	۴۶	ناصری	میدان وردک	حوزوی
۵۱	شهناز همتی	هرات	حوزوی	۴۷	خانم صدیقه مبارز	میدان وردک	
۵۲	شیخ نعمت‌الله غفاری	هلمند	حوزوی	۴۸			